





نگاهی کوتاه به زندگی

سَلَامٌ عَلَيْهَا  
رَبِّ الْمُرْسَلِينَ  
رَبِّ الْمُرْسَلِينَ

۳۰	فضیلت حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در کلام ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small>
۳۴	فضایل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از منظر اهل سنت
۳۵	نقش حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در رشد و تثبیت رسالت
۳۶	۱- حمایت‌های مالی
۳۷	کمک به اسلام آوردن افراد
۳۸	شکستن محاصره اقتصادی شعب ابی طالب
۴۰	۲- حمایت‌های معنوی
۴۰	اندوه‌زدایی
۴۱	دلجویی از پیامبر
۴۲	سپر پیامبر در برابر آزار و اذیت مشرکان
۴۵	۴. بازاندیشی درباره شخصیت و سیره حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۴۶	۱- سن
۴۸	۲- ازدواج
۴۸	ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع
۵۰	عدم اعتبار گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج خدیجه <small>علیها السلام</small>
۵۱	۳- ثروت
۵۲	عوامل مؤثر در افزایش ثروت حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۵۶	۴- فرزندان
۵۸	۵- قبول مهریه توسط حضرت
۶۰	حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در اشعار شاعران
۶۴	نتیجه‌گیری
۶۶	منابع

## فهرست

۷	ضرورت و اهمیت پرداختن به سیره حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در عصر حاضر
۸	نسب حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۹	القاب حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۹	۱- طاهره
۱۰	۲- صدیقه
۱۱	۳- مرضیه
۱۲	۴- کبری
۱۳	۵- سید زنان
۱۵	فضایل و خصائص حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۱۵	۱- اولین زن مسلمان
۱۵	۲- سبقت در ایمان
۱۶	۳- قبول ولایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۶	۴- حجاب
۱۷	۵- حسن خلق
۱۸	۶- شرح صدر
۱۹	۷- سخاوت
۲۰	۸- حسن رفتار با همسر
۲۲	۹- به یاد خدا
۲۳	۱۰- توقع نداشتن از همسر
۲۴	فضایل حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در کلام وحی
۲۶	فضیلت حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small> در کلام پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>

## ضرورت و اهمیت پرداختن به سیره حضرت خدیجه رضی الله عنها در عصر حاضر

شناختن شخصیت‌های بزرگ اسلامی، گامی ضروری در جهت تقویت و تحکیم مبانی اسلام است. در دنیای امروز که با بزرگ‌نمایی شخصیت‌های کاذب، الگوهای نامناسبی برای جوانان، زنان، مردان و خانواده‌ها ارائه می‌شود، ضرورت شناخت و ارائه اسوه‌های شایسته برای تمامی انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان بیش از پیش محسوس شده است. لذا معرفی آن بانوی بزرگوار به‌عنوان الگویی نمونه برای زنان جامعه حاضر، امری لازم و ضروری است؛ زیرا امروزه همگان به‌دنبال الگوی زندگی کاملی هستند و در مصداق الگوها، دچار گنگی و سردرگمی شده‌اند. از طرفی دیگر شخصیت کامل حضرت خدیجه رضی الله عنها آن‌گونه که باید معرفی نشده است. لذا در این نوشتار جنبه‌های مختلف شخصیتی حضرت خدیجه بررسی شده است تا ایشان به‌عنوان یک الگوی کامل برای زنان مسلمان معرفی و ارائه شوند. همچنین یکی از کارسازترین راه‌ها برای از بین بردن شخصیت افراد تأثیرگذار در اسلام، تحریف زندگی آن‌هاست. بنابراین لازم است با این‌گونه اقدامات دشمنان، مقابله کرد و نقشه‌های آن‌ها را خنثی کرد. این کار زمانی اتفاق می‌افتد که نسبت به تحریفات انجام‌شده، آگاهی لازم صورت بگیرد.

در هنگامه بررسی تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم حضرت خدیجه رضی الله عنها یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی هستند که در عصر خود برای رشد اسلام نقش بی‌بدیلی داشته‌اند. بر اساس آیات قرآن کریم و منابع معتبر تاریخی، منافقین یکی از خطرناک‌ترین جریاناتی بودند که از صدر اسلام تاکنون، ضربات جبران‌ناپذیری را به اسلام و مسلمانان وارد کرده‌اند. یکی از اقدامات آن‌ها، دستبرد به تاریخ زندگی حضرت خدیجه رضی الله عنها بوده است. با توجه به جایگاه ایشان در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، و ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی ایشان، معرفی این بانوی ارجمند باعث شناخت اسلام راستین می‌شود. منافقین نیز به این مهم پی برده و دست به تحریف تاریخ زندگی این بانوی ارجمند زدند. لذا آن‌ها تا آنجا که توانستند در چینه‌ش زندگی حضرت خدیجه رضی الله عنها دست بردند و آن را به‌نحو دلخواه خود عوض کردند. همچنین فضایل و مناقب ایشان را حذف کرده یا به دیگران نسبت داده‌اند تا از فروغ ایشان در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به‌طرف

دیگران متمایل سازند. آنان با نشر این اکاذیب و رسوخ دادن آن به تاریخ، سعی در مخدوش کردن چهره خدیجه علیها السلام داشتند.

حقیقت این است که حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان شخصیتی بی نظیر در جامعه ایمانی، هم به عنوان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نقش همسری و هم به عنوان اولین زن مسلمان آن دوران، نقش بسزایی در پیشبرد اسلام و اهداف آن داشتند. به گواه اسناد و مدارک و منابع اسلامی، این بانوی بزرگوار دارای مقامات ویژه ای هستند. لذا از آنجا که اصولاً کمتر از ایشان یاد می شود و با توجه به حق بزرگی که ایشان بر همه مسلمین دارند، در ادای حقشان کوتاهی شده است. از طرفی نقش الگویی ایشان نیز اقتضا می کند که به بررسی ویژگی های این شخصیت شاخص پرداخته شود.

### نسب حضرت خدیجه علیها السلام

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در برترین سرزمین دنیا که همان مکه مکرمه است، متولد شد. ایشان در یکی از والاترین خاندان آن شهر پرورش یافت و از پاکدامنی، کرامت و اخلاق پسندیده چندان بهره یافت که به الگویی آرمانی برای تمامی دختران عرب تبدیل شد. خدیجه علیها السلام در خانه شکوه، افتخار، ریاست و وقار زاده شد؛ لذا به خوبی ستوده شد و دورانیش، دانا و پاکدامن شد. پدرش او را خدیجه نام نهاد که از نام های ارجمندی است. خدیجه در کودکی، احساسات پدر و مادر و خانواده اش را برانگیخته بود. بانوی پاکدامن، ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از خاندانی عرب به نام بنی زهره برخاسته است. زهره پسر کلاب بن مره بن کعب بن لؤی است. این خاندان به یکی از خاندان های عرب ساکن مکه منتسب هستند که به مهمان نوازی و دیگر ویژگی های عرب شناخته می شدند. به نظر یعقوبی، نسب درخشان ام المؤمنین علیها السلام در قصی که جد چهارم رسول خدا و جد سوم آن بانوست، با پیامبر یکی می شود. این نسب ارجمند به ابراهیم علیه السلام، پیر پیامبران، می رسد.<sup>۱</sup>

پدر ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از شخصیت های برجسته و چهره های تابناک خاندان خویش

۱ . احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۸.

است. نام او خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب نام دارد.<sup>۲</sup> منابعی که در دسترس ما قرار دارد چیزی از تاریخ زندگانی او را بازگو نمی سازد، جز اینکه وی مردی شریف، بزرگوار، ارجمند و در جود و سخاوت شهره شهر بوده و او را همین افتخار بس که دختری پاکدامن چون خدیجه داشته است.

مادر ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، بانویی ارجمند به نام فاطمه بنت زائده بن الاصم بن هرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لؤی است.<sup>۳</sup> این بانوی ارجمند نمونه ای از پاکی و پاکدامنی بوده است. او را همین والایی و شرافت بس که مادر بزرگ والاترین بانوی روزگار خویش و بلکه تمامی روزگاران، زهرای مرضیه علیها السلام، پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

### القاب حضرت خدیجه علیها السلام

در منابع اسلامی، از خدیجه با القابی همچون طاهره، زکیه، مرضیه، صدیقه، سیده نساء قریش،<sup>۴</sup> خیرالنساء<sup>۵</sup> و بانوی بلندمرتبه<sup>۶</sup> و نیز با کنیه ام المؤمنین یاد شده است.<sup>۷</sup> هر کسی در واقع بر اساس اوصاف بارز او، انتخاب و گذارده میشود که در این بخش به برخی از القاب حضرت خدیجه علیها السلام اشاره خواهد شد.

### ۱- طاهره

از برجسته ترین لقبهای بانوی فرزانه حجاز، «طاهره» است؛<sup>۸</sup> چراکه آن حضرت با آن که

۲ . علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۷.

۳ . احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۴ . اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۳، ص ۱۵.

۵ . علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۸۳.

۶ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۷ . الشیخ غالب سیلاوی، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة، ص ۲۴.

۸ . تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۱، ص ۴۲۱؛ تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، ج ۱،

در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی زندگی میکرد، اما این امکانات هرگز نتوانست ایشان را از مسیر پاکی و عفاف خارج کند. ایشان قبل از آشنایی با پیامبر ﷺ مدیریت یک مجموعه بزرگ اقتصادی را بر عهده داشت و دهها مرد در تشکیلات او بودند؛ اما جز به قدر ضرورت با آنان ارتباط نداشت. علامه مامقانی مینویسد: «كَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ؛ خدیجه در روزگار تیره و تاریک جاهلیت، پاک‌روش و پاک‌منش یا طاهره خوانده میشد.»<sup>۹</sup>

این لقب به خاطر پروا و معنویت بسیار ایشان بوده است. در فرازی از زیارت‌نامه پیامبر نیز آمده است:

«السَّلَامُ عَلَى أَرْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خُصُوصاً الصَّدِيقَةَ الطَّاهِرَةَ الرَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ الْمَرْضِيَّةَ حَدِيحَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ؛ سلام بر همسران پاک و نیکو کردارت که مادران مردم باایمان هستند، به‌ویژه بر آن بانوی تصدیقگر حق، آن بانوی پاک‌سرشت و پاک‌منش و... حضرت خدیجه کبری مادر مؤمنین.»<sup>۱۰</sup>

بعد از سلام و تحیت بر همه زندهای طاهره پیامبر که به فرمایش قرآن ام‌المؤمنین هستند، سلام خصوصی و جداگانه‌ای بر حضرت خدیجه به‌همراه لقب طاهره آمده است. بنابراین حضرت از حد اعلی پاکی و طهارت برخوردار بودند که به‌طور ویژه با این القاب مورد تحیت و سلام قرار گرفته‌اند.

## ۲- صدیقه

یکی دیگر از القاب آن حضرت، صدیقه است. از ویژگی‌های حضرت خدیجه ﷺ راست‌گفتاری و درست‌کرداری بوده است؛ از این رو ملقب به «صدیقه» شدند. پیامبر اکرم ﷺ از وی تعبیر به «صدیقه» می‌کرد و خطاب به جبرئیل فرمود: «هَذِهِ صَدِيقَةٌ

ص ۲۶۳؛ خدیجه بنت خویلد، ص ۱۱ و ۱۲.

۹ . عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ شرح المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۹؛ نهایه العرب فی فنون الادب، ج ۳، ص ۱۵۱.

۱۰ . مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۸۹، باب ۳، ح ۱۱.

أُمَّتِي؛ این صَدِيقَةُ أُمَّتٍ من است.»<sup>۱۱</sup> صدیقه به‌معنای داشتن بهره‌ای از مقام عصمت است. از نظر لغت‌شناسان، «صدیقه» به مفهوم بسیار راستگو و راست‌کردار است. برخی از لغت‌شناسان می‌گویند: «صَدِيقٌ [و صَدِيقَةٌ] کسی است که گفتار و عقیده و اندیشه‌اش راست است و راستگویی خود را با کردار درست ثابت می‌کند»<sup>۱۲</sup> خداوند در قرآن به مؤمنین لقب «صَدِيقٌ» عطا کرده و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ؛ و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آوردند آن‌ها به حقیقت راستگویان هستند.»<sup>۱۳</sup>

و چون حضرت خدیجه ﷺ اولین مؤمن حقیقی و تصدیق‌کننده دین مبین بود، شایسته‌ترین فرد برای دریافت این لقب است.

## ۳- مرضیه

سومین لقب حضرت، مرضیه است. مرضیه، مؤنث مرضی است و در لغت یعنی: پسندیده، مورد رضایت، خوش‌خوی و پسندیده‌خوی.<sup>۱۴</sup> خداوند در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* إِزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّاتِي»<sup>۱۵</sup>.

حضرت خدیجه ﷺ مظهر مَرْضَاتِ الهی بود، از این رو ملقب به «مرضیه» شد و مرضیه، اشرف و اقوی از «راضیه» است. لذا «نیشابوری» در تفسیر خود در این باره می‌نویسد: راضیه به کسی گفته می‌شود که نسبت به مقدرات کائنات و احکام جاریه که از خداوند به او می‌رسد کمال رضایت را داشته باشد، اما مرضیه به کسی گفته می‌شود که عند الله مرضیه باشد. در اولی، رضایت از بنده است و در دومی رضایت از حق است و مناط،

۱۱ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۱.

۱۲ . سیدمحمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس فی جواهر القاموس، ص ۱۲۳.

۱۳ . سوره حدید، آیه ۱۹.

۱۴ . علی‌اکبردهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۴۲، ص ۱۷۷.

۱۵ . سوره فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰.



رضایت حق از عبد است؛ چون بنده از خدای خود راضی است، خداوند هم از او راضی است. چنان که گویند: رضی الله عنهم و رضوا عنه. اگر نفس حضرت خدیجه رضیه من الله نبود، مرضیه عند الله نمی شد و بدین لقب اختصاص نمی یافت، مانند نفوس مطمئنه ائمه معصومین و به خصوص جناب سیدالشهداء که آیه مبارکه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً» تأویل به وجود مقدس آن حضرت شده است. حضرت خدیجه نیز از نظر عبادت و فرمانبرداری از خدا، پارسائی و انفاق، شکیبائی و پایداری در راه حق و عدالت و از نظر رفتار و گفتار، همواره پسندیده و مورد خشنودی پروردگار بود. لذا در زیارت نامه پیامبر اکرم از حضرت خدیجه با این عنوان یاد شده است:

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَرْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خُصُوصاً الصَّديقَةَ الطَّاهِرَةَ الرَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ الْمَرْضِيَّةَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ...»<sup>۱۶</sup>

رضایت پروردگار از بندگان و رضایت بندگان از پروردگار اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا ممکن است که انسان غرق عالی ترین نعمت‌ها باشد ولی هنگامی که احساس کند مولی و معبود و محبوب از او ناراضی است تمام آن نعمت‌ها و مواهب در کام جانش تلخ گردد. همچنین ممکن است انسان، واجد همه چیز باشد، ولی به آنچه که دارد راضی و قانع نباشد. بدیهی است که آن همه نعمت با این روحیه، او را خوش بخت نخواهد کرد، ناراحتی مرموزی دائماً او را آزار می دهد و آرامش روح و روان را که بزرگترین موهبت الهی است از او می گیرد. علاوه بر این، هنگامی که خدا از کسی خشنود باشد هر چه که بخواهد به او می دهد و او را خشنود می سازد. نتیجه آن که، بالاترین نعمت این است که خدا از انسان خشنود و او نیز از خدایش راضی باشد.

#### ۴- کبری

لقب دیگر آن حضرت، کبری است؛ زیرا از ویژگی های حضرت خدیجه، بزرگواری و بزرگ منشی آن حضرت است. از این رو ایشان ملقب به لقب «کبری» شدند. «کبری» به

۱۶ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

مفهوم پرشکوه تر و ارجمندتر است.<sup>۱۷</sup> پیامبر اکرم این لقب را پس از ازدواج با ایشان به آن بانوی والا مقام داد. در بخشی از زیارت پیامبر اکرم، سلام و درود به روح پر فتوح حضرت خدیجه نثار شده است:

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَرْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، خُصُوصاً الصَّديقَةَ الطَّاهِرَةَ، الرَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ، خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ...؛ سلام بر همسران پاک و نیکوی تو، مادران مؤمنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه، خشنود و پسندیده، خدیجه بانوی بزرگ، مادر مؤمنان.»<sup>۱۸</sup>

همچنین در زیارت نامه پیامبر اکرم که در روز جمعه وارد شده است می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَىٰ وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى وَالسَّيِّدَةُ الرَّهْرَاءُ»<sup>۱۹</sup>

حضرت خدیجه به دلیل شأن و جایگاه رفیعشان ملقب به آن بودند. پیامبر اکرم نیز حضرت خدیجه را با لقب کبری می خواندند.<sup>۲۰</sup> در زیارت نامه‌ها و ادعیه ائمه نیز از این بانو با نام خدیجه الکبری نام برده شده است (حرز امام زین العابدین، زیارت هفتم زیارت وارث، دومین زیارت نیمه رجب و زیارت امام حسین در روز عرفه).

#### ۵- سید زنان

لقب دیگر حضرت خدیجه، سید زنان است. شخصیت حضرت خدیجه در عصر جاهلیت چنان چشمگیر و مورد احترام خاص و عام بود که او را با عنوان «سیده النسوان» و «سرور بانوان» می خواندند. ابن کثیر در «البدایه والنهایه» می گوید: «کانت أوسط نساء قريش نسباً وأعظمهن شرفاً وأكثرهن مالاً؛ خدیجه در نسب و قبيله متوسط بود

۱۷ . علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۲۱۱.

۱۸ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۸۹.

۱۹ . عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت نامه حضرت رسول.

۲۰ . عمادالدین طبری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵.



و در شرافت و بزرگواری بزرگتر از همه و در مال و مکننت از همه ثروتمندتر بود.<sup>۲۱</sup> زرقانی از علمای اهل سنت می‌گوید: «وکانت تسمی سیده نساء قریش؛ حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> سرور بانوان قریش خوانده شد.»<sup>۲۲</sup>

«توفیق ابوعلم» که از علمای اهل سنت است می‌گوید: «وكان السیده خدیجه تسمی فی الجاهلیه بالطاهره، وسیده نساء قریش؛ بانو خدیجه<sup>ؓ</sup> در جاهلیت به طاهره و سرور زنان قریش خوانده می‌شد.»<sup>۲۳</sup>

پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup> فرمود: «لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلٰی نِسَاءِ اُمَّتِي؛ خدیجه<sup>ؓ</sup> بر بانوان امت من برتری یافته است.»<sup>۲۴</sup>

همچنین پیامبر<sup>ﷺ</sup> فرمود: «سادات نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اُزْبَع: خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد<sup>ؓ</sup> و آسیه بنت مزاحم و مریم بنت عمران؛<sup>۲۵</sup> سرور بانوان جهان چهار نفر هستند که عبارتند از: خدیجه، فاطمه، آسیه و مریم.»<sup>۲۶</sup>

در شرح نهج البلاغه نیز آمده است که عبدالله بن زبیر در عین دشمنی با خاندان رسالت، در گفت‌وگویی که با ابن عباس داشته به حضرت خدیجه به عنوان عمه‌اش افتخار کرده است: «أَلَسْتُ تَعْلَمُ... أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ آیا نمی‌دانی که عمه‌ام، خدیجه سرور بانوان جهان‌هاست؟»<sup>۲۷</sup>

۲۱ . ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، البدایه والنهایه، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲۲ . محمد بن عبدالباقی زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲۳ . توفیق ابوعلم، فاطمه الزهراء، ص ۳۶.

۲۴ . ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۳۸.

۲۵ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۸۹.

۲۶ . ناصر رفیعی محمدی، شناخت‌نامه حضرت خدیجه، ص ۱۳۲.

۲۷ . عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۵.

## فضایل و خصائص حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup>

در تاریخ پر فرازونشیب اسلام، کمتر بانویی در جامعه زنان همچون حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> درخشیده است. بهره‌مندی از صفات عالی انسانی و رفتار برخاسته از بینش متعالی ایشان، چنان شخصیتی از وی ساخته که تا سال‌ها پس از رحلت جانسوزش، هرگاه پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup> نام او را می‌شنید، اشک بر گونه‌های مبارکش جاری می‌شد و از او به بزرگی یاد می‌کرد.

### ۱- اولین زن مسلمان

ابن عباس گفته است: «فكان اول من صلی من الرجال امیر المؤمنین و من النساء خدیجه؛ اولین کسی که مسلمان شد و نماز خواند از مردان، حضرت علی<sup>ؓ</sup> و از زنان حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> بود.»<sup>۲۸</sup>

خانه حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> اول خانهای بود که نور اسلام در آن تابید. امام علی<sup>ؓ</sup> می‌فرمایند: «ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله و خدیجه و أنا ثالثها؛ در آن روز اسلام به خانهای راه نیافته بود، غیر از خانهای که در آن رسول خدا<sup>ﷺ</sup> و خدیجه<sup>ؓ</sup> بود و من سومین نفر آنها بودم.»<sup>۲۹</sup> بنابراین حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> مقامی دارد که هیچ احدی از زنان عالم به مقام او نخواهد رسید و آن مقام اولین زن مسلمان به رسول خداست.

### ۲- سبقت در ایمان

«خدیجه سابقه نساء العالمین إلى الإیمان بالله و برسوله؛ حضرت خدیجه اولین زن عالم است که در ایمان به خدا و رسولش از همه سبقت گرفت.»<sup>۳۰</sup> در این روایت به ایمان و اعتقاد قلبی حضرت خدیجه به خدا و رسولش به عنوان اولین مؤمن و سبقت‌گیرنده در ایمان اشاره شده است. ایمان درونی، غیر از اظهار و اقرار زبانی به اسلام است؛ چنان که بعضی افراد اظهار اسلام کردند؛ اما هرگز ایمان به قلبهایشان راه نیافت.

۲۸ . محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۷۲۲۱.

۲۹ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۶، باب ۵، ح ۱۶.

۳۰ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۱، باب ۷، ح ۱۹.

بنابراین مقام ایمان بالاتر و اثرگذارتر از مقام اسلام است.

### ۳- قبول ولایت امیر المؤمنین

روزی رسول خدا ﷺ، خدیجه را در کنار خود نشاند و فرمود: «برای اسلام شروطی است: اقرار به توحید، اقرار به رسالت رسولان، اقرار به معاد و اطاعت اولی الامر و ائمه معصومین با برائت از دشمنان ایشان.» خدیجه به همه اقرار کرد و یکی یکی امامان معصوم را تصدیق کرد. پیامبر ﷺ در خصوص ولایت علی بن ابیطالب، به خدیجه فرمود: «ای خدیجه! این علی مولا و سرور تو و مولا و سرور همه مؤمنین و امام بعد از من است.» خدیجه فرمود: «ای رسول خدا! قطعاً بیعت بر آن چه گفتی با علی بیعت کردم. خدا و تو را بر این بیعت شاهد میگیرم و خدا از حیث شاهد بودن و علیم بودن کافی است.»<sup>۳۱</sup>

### ۴- حجاب

حضرت خدیجه نه تنها در زمان ظهور اسلام، بلکه قبل از آن هم مسئله حجاب را کاملاً رعایت می کرد. ایشان خود را در معرض دید نامحرمان قرار نمی داد، همان طور که در عصر جاهلیت، آن حضرت ملقب به «طاهره» بود.<sup>۳۲</sup> بعد از بعثت پیامبر اکرم ﷺ نیز مانند گذشته، این سیره و روش را ادامه داد و به توصیه پروردگار که خطاب به همسران پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ زن ها در خانه هایشان بمانند»، عمل کرد. او حتی وقتی که رسول خدا ﷺ بر حسب دستور پروردگار مأموریت پیدا کرد که چهل روز از حضرت خدیجه فاصله بگیرد و به عبادت بپردازد، در این مدت نیز در خانه ماند و تخلف از امر پروردگار و پیامبر اکرم ﷺ نکرد. پس از اتمام چهل روز، وقتی پیامبر اکرم ﷺ به خانه مراجعت کرد و درب خانه را به صدا درآورد، حضرت خدیجه عرضه داشت: «کیست کوبنده در؟ حق ندارد کسی در این خانه را بزند جز محمد ﷺ.» رسول

۳۱ . همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲، باب ۱، ح ۷۵؛ همان ج ۶۵، ص ۳۹۲، باب ۲۷، ح ۴۱.

۳۲ . الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۹۹؛ البدایه والنهایه، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، ج ۳، ص ۱۵۷؛ سبیل الهدی الزشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، ج ۲، ص ۴۳۴؛ الصحيح من السیره النبوی الاعظم، سید جعفر مرتضی، ج ۲، ص ۱۰۷.

خدا ﷺ فرمود: «ای خدیجه! در را باز کن که محمد آمده است.»<sup>۳۳</sup>

آن بانو در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند. به نقل تاریخ، ایشان حتی در جلسه خواستگاری شان، از پشت پرده صحبت می کردند؛ مگر جایی که با پیامبر ﷺ صحبت های آخر را کردند. ایشان قبل از ازدواج با رسول خدا چنان در اوج نجابت و طهارت بود که ابوطالب بزرگ قریش و سالار بنی هاشم، این گونه او را می ستاید:

«إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مَيْمُونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذِرُ الشَّنَارَ؛ به راستی که خدیجه بانویی است کامل، مبارک و صاحب فضل که از هرگونه عیب و عار پرهیز می کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می گزیند.»<sup>۳۴</sup>

بنابراین حضرت خدیجه در طول مدت عمر خود مسئله حجاب و پوشش خود در برابر نامحرم را به خوبی رعایت کرد. از این رو بانوان جامعه ما باید در مسئله حجاب، از زندگی نورانی آن حضرت درس بگیرند و حضرت خدیجه را در همه ابعاد به ویژه در موضوع حجاب، الگوی خویش قرار دهند؛ چرا که عده ای کوتاه فکر گمان نکنند مسئله حجاب فقط مربوط به اسلام بوده و دین آسمانی اسلام با واجب کردن حجاب خواسته است که از بانوان سلب آزادی کرده و آن ها را در محدودیت قرار داده است.

### ۵- حسن خلق

حضرت خدیجه از اخلاق نیک و حسنه برخوردار بود. ثروت زیاد ایشان، موجب غرور و بد رفتاری با مردم و زیردستان نشد. هر نیازمندی که به آن حضرت مراجعه می کرد با رفتاری مناسب و نیکو، حاجت او را برآورده می کرد. یکی از ویژگی ها و فضایل حضرت خدیجه این است که خانه ایشان، پناهگاه امن یتیمان، درماندگان و آوارگان بود. هر یتیمی که در زندگی خود نقطه اتکایی نمی یافت، هر پدری که نمی توانست برای فرزندان خود لقمه نانی تهیه کند، هر زنی که پس از کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر رنج دیده، صدمه کشیده و بی پناه، راه خانه حضرت خدیجه را پیش

۳۳ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

۳۴ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۶.

می گرفت. همه به ثروت و مهربانی ایشان پناه می برند و با برخورد پرلطف و عنایت حضرت خدیجه رضی الله عنها جراحات قلب خود را مرهم می گذاردند. خانه حضرت دو علامت داشت: یکی قبه سبزی که بر بام آن بود، دیگری رفت و آمد و ازدحام در خانه ایشان بود.

حضرت خدیجه رضی الله عنها دوست داشت به فقرا و ستمدیدگان کمک کند. آن‌ها را در هر موقع از روز یا شب می پذیرفت، مهربانی می کرد، با آن‌ها سخن می گفت و به درد دل آن‌ها گوش می داد. دست نوازش بر سر و صورت بچه‌های آن‌ها می کشید و اشک‌های چشم مادران را پاک می کرد که بوسه‌های آن‌ها با قطرات اشکشان به دست او می نشست. آن وقت خدمتکارش «میسره» را می خواند، او نیز کیسه‌های پول را می آورد و میان آن‌ها تقسیم می کرد.<sup>۳۵</sup>

در طول مدتی که حضرت خدیجه رضی الله عنها افتخار همسری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را داشت، این سیره و روش را ادامه داد، تا جایی که مورد علاقه شدید آن حضرت قرار گرفت. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله تا مادامی که حضرت خدیجه رضی الله عنها زنده بود با زن دیگری ازدواج نکرد و پس از وفات آن حضرت نیز همیشه از آن بانوی معظمه به نیکی و عظمت یاد می کرد.<sup>۳۶</sup>

## ۶- شرح صدر

انسان‌ها در پذیرش حق و درک مطالب و خودجوشی یکسان نیستند. بعضی افراد با اشاره‌ای لطیف یا کلامی کوتاه، حقیقت را به خوبی درک می کنند، تذکر آن‌ها را بیدار می سازد و یک موعظه و اندرز در روح آن‌ها طوفانی به پا می کند. در حالی که بعضی افراد دیگر شدیدترین خطابه‌ها و گویاترین دلایل و نیرومندترین اندرز و مواعظ در وجودشان کمترین اثری نمی گذارد و این مسئله ساده‌ای نیست.

خداوند می فرماید:

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ

۳۵ . حسین تهرانی، خصایص ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص ۴۱۰.

۳۶ . همان، ص ۲۱۱.

صَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ؛ کسی که خدا می خواهد او را هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می سازد، و کسی را که بخوهد گمراه کند، سینه‌اش را چنان تنگ می کند که گویی می خواهد به آسمان بالا رود!<sup>۳۷</sup>

حضرت خدیجه رضی الله عنها از «شرح صدر» برخوردار بود. روح فراخ و فکر باز ایشان موجب شد که وی از نخستین کسانی باشد که اسلام را پذیرد،<sup>۳۸</sup> به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان بیاورد<sup>۳۹</sup> و اعتراف به ولایت امام امیر مؤمنان علی رضی الله عنه کند<sup>۴۰</sup> و حقایق و معارف دین را به راحتی قبول کند.

## ۷- سخاوت

ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها از سخاوتمندترین مردمان بود. قریش، مسلمانان بینوا را با تمام

۳۷ . سوره انعام، آیه ۱۲۵.

۳۸ . تاریخ یعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳؛ ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ طبقات الکبری، ابو عبدالله محمد بن سعد (کاتب واقدی)، ج ۸، ص ۱۳؛ الإصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۱۰۲؛ أسد الغابه فی معرفه الصحابه؛ ابن اثیر، ج ۶، ص ۷۸؛ سیره ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، ج ۲، ص ۱۲۰؛ المستدرک علی الصحیحین، عبدالله حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴؛ عیون الأثر فی فنون المغازی و الشرائع و السیر ابو الفتح محمد بن سید الناس، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، ج ۲، ص ۳۰۰؛ البدایه و النهایه، أبو الفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، ج ۳، ص ۲۳؛ السیره النبویه، ابو منذر بن هشام کلبی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳۹ . الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۱۰۹۲؛ ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴؛ الإصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر سیدرضی الدین علی بن طاووس، ج ۱، ص ۱۱۹؛ بحار الأنوار، عسقلانی، ج ۸، ص ۱۰۰؛ الطرئف من معرفه مذاهب الطوائف، محمدباقر مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۱۲.

۴۰ . بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱۸، صص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حرعاملی، ج ۱، ص ۲۸۱، شماره ۲۵؛ الانوارالساطعه من الغزاه الطاهره، غالب سیلاوی، صص ۲۲۷-۳۴۰؛ ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ذبیح الله مخلاتی، ج ۲، ص ۲۰۹.

توان آزار و شکنجه می داد و از تمامی حقوق محروم می کرد. خدیجه رضی الله عنها برای دست گیری از مسلمانان، سهم عمده ای از دارایی خود را بخشید و با سخاوتمندی، اموالش را برای آنان هزینه می کرد و نیازهای آن ها را برآورده می ساخت. کمک های مالی حضرت خدیجه باعث حفظ و گسترش اسلام شد، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما نفعنی مال قط مثل ما نفعنی مال خدیجه؛ هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.»<sup>۴۱</sup>

سرمایه حضرت خدیجه رضی الله عنها یکی از مهم ترین عواملی بود که در صدر اسلام به تازه مسلمان ها کمک کرد. دشمنان که متوجه تأثیر ثروت در گسترش اسلام شدند، فدک که هدیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه رضی الله عنها بود را غصب کردند. حضرت خدیجه رضی الله عنها چنان سخاوتمند بود که چهل گوسفند و شتر راهوار را که برای سواری زن ها در کوچیدن تربیت شده بود، به حلیمه دایه پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید.<sup>۴۲</sup>

## ۸- حسن رفتار با همسر

حضرت خدیجه رضی الله عنها در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیوسته همدم و همفکر و همگام با آن حضرت بود. ایشان با وجود ثروت و شکوه و جمال و کمال، راه فروتنی و اطاعت از همسر بزرگوارش را در پیش گرفت و در همان برخوردهای اولیه از فرط ادب و تواضع، خود را کنیز و خدمتگزار او خواند، و اظهار داشت: «به خانه خودت خوش آمدی. خانه، خانه توست، من نیز کنیز تو هستم.»<sup>۴۳</sup>

همچنین در سراسر زندگی مملو از مهر و محبت خود نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، همواره بهترین یاور و مهربان ترین مونس و وزیر و مشاور کارآمد آن حضرت بود؛ به طوری که نوشته اند:

«كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةً صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا؛

۴۱ . صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶۸.

۴۲ . ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۵، ص ۲۱۵.

۴۳ . محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴؛ سفینه البحار، عباس قمی، ج ۱، ص ۳۷۹؛ الأنوار فی مولد النبوی، احمد بن عبدالله بکری، ص ۳۰۴.

خدیجه وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا با [مهر و ملاطفت] او، آرامش خاطر می یافت.»<sup>۴۴</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، هر ماه، چند روز و هر سال، ماه رمضان را برای عبادت و نیایش عارفانه به غار حرا می رفت. حضرت خدیجه رضی الله عنها نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی شد، بلکه خود نیز مشوق آن حضرت بود. خدیجه هر بامداد و شامگاه پیامبر را بدرقه می کرد و در هنگام بازگشت به پیشواز ایشان می رفت، گاه برای ایشان آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت همسرش با پروردگارش را به هم نزند. گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرمی پیامبر صلی الله علیه و آله می گماشت و خود به انتظار بازگشتن محبوبش به سر می برد.<sup>۴۵</sup> لذا به خاطر این حُسن رفتاری که حضرت خدیجه در طول زندگی خود، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص، پاکدامن، زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه ام المؤمنین رضی الله عنها نمی توانیم پیدا کنیم.»<sup>۴۶</sup>

حضرت خدیجه تمام توان خود را به کار می برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اداره کند. خدیجه رضی الله عنها چون به میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه رضی الله عنها را مانعی برای عبادتش نداند.

زمانی که امر نبوت نزدیک بود و خلوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درازا کشیده شد، حضرت خدیجه رضی الله عنها تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی، دلشوره و نگرانی های مختلفی برای حضرت خدیجه رضی الله عنها شود، اما او نه تنها اعتراض نمی کرد، بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراهی می کرد. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمار یاسر را نزد همسرش حضرت خدیجه رضی الله عنها فرستاده و پیام دادند:

۴۴ . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۱۱.

۴۵ . عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر فی الکتاب والسنة، ج ۳، ص ۲۳۸.

۴۶ . نساء لهن فی التاریخ الإسلامی نصیب، ص ۲۱.

«ای خدیجه! گمان نکن کناره گیری من به خاطر بی اعتنایی به توست، بلکه پروردگارم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو، به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند. پس وقتی که شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.»<sup>۴۷</sup>

### ۹- به یاد خدا

حضرت خدیجه علیها السلام دائماً به یاد خدا بوده، ذکر خدا را می گفت و سرآمد زنان نیایشگر بود. این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا، دلنشین و همراه با آرامش است. همان گونه که نماز نزد خدیجه علیها السلام جایگاه رفیعی داشت، دعا و نیایش نیز از جایگاه والایی برخوردار بود. او افزون بر دعاها و نیایش های شبانه روزی، حرزها و دعا های روح بخش و پرمحتوایی را نیز همواره با خود و به عنوان یاد خدا و آرامش بخش دل، بر لب و جان داشت. برای نمونه:

آن بانوی معظمه این دعا را همیشه به همراه داشت:<sup>۴۸</sup>

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَأَغْنِنِيْ، وَلَا تَكَلْنِيْ إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ؛ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و زندگی بخش! ای خدای برپا دارنده جهان هستی! من به مهر و رحمت تو پناهنده شده ام. پس خودت پناهم ده، و هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن، مرا به حال خود وامگذار؛ حال و روزم را اصلاح فرما و کران تا کران زندگی ام را آن گونه که خود می پسندی و دوست می داری سامان بخش.»<sup>۴۹</sup>

و نیز این دعا را زیر لب زمزمه می کرد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَلَلَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَافِظُ يَا رَقِيبُ؛ به نام خداوند

۴۷ . همان، ج ۱۶، ص ۷۹.

۴۸ . مهج الدعوات، سید رضی الدین علی بن طاووس، ص ۱۷.

۴۹ . بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۹۱، ص ۲۲۴.

بخشنده بخشایشگر. ای خدای یکتا! ای نگهبان! ای نگهدارنده! و ای مراقب همگان.»<sup>۵۰</sup>

همچنین آورده اند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از پیامبر خواست که دعایی به او بیاموزد تا به هنگام طواف خانه خدا آن را زمزمه کند. پیامبر فرمود: «به هنگام طواف بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَخَطَايَا وَعَمْدِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي؛ بار خدایا! گناهانم را بیامرز و لغزش های خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را بر من ببخشای.»<sup>۵۱</sup>

این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد. این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه علیها السلام در روایتی خیلی زیبا بیان شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی در شب معراج، جبرئیل من را به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: حَاجَتِي أَنْ تُقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيْجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ؛ حاجت من این است که سلام خدا و من را به خدیجه علیها السلام برسانی. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساند، خدیجه گفت: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِلَ السَّلَامُ؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد.»<sup>۵۲</sup>

### ۱۰- توقع نداشتن از همسر

حضرت خدیجه علیها السلام بسیار بزرگمنش و آراسته به حیا و وقار بود. او در روزهای تنهایی، گرفتاری، ناامنی و محرومیت پیامبر صلی الله علیه و آله از همه حقوق و آزادی و امنیتش بر اثر فشار استبداد مایه نهاد و به راه و رسم مترقی او پیوست. او با اینکه پیش از آن، با دست رد زدن به سینه صاحبان ثروت و قدرت، همسری و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله را به خاطر معنویت و بزرگمنشی او برگزید، و با اینکه ثروت و امکانات گسترده خویش را نثار قدم او کرد و خود مانند همدم و همراهی باوفا و وزیر و مشاور و کارآمد و فداکار، پایه پای او رنجها و

۵۰ . مهج الدعوات، سید رضی الدین علی بن طاووس، ص ۱۷.

۵۱ . الأنوار الساطعة من الغزاة الطاهرة، غالب سیلاوی، ص ۳۳۰.

۵۲ . محمد بن حسن طوسی، امالی طوسی، ص ۱۷۵.

فشارها و زخم زبان‌ها و ناامنی‌ها و اهانت‌ها و تبعیدها و گرسنگی‌ها را به جان پذیرفت و چیزی هم جز خشنودی خدا نجست و نخواست. با این وصف همین بانوی خرد و پروا در واپسین لحظه‌ها که خود را در آستانه مرگ می‌نگریست، بر آن شد تا در زندگی، یک تقاضای مادی و ظاهری از همسر گرانقدر و حق‌شناس خویش کند، اما شگفتا که گویی از طرح بی‌واسطه آن تقاضا نیز احساس شرم و حیا کرد. به همین جهت طرح آن را به دخت فرزانه‌اش فاطمه علیها السلام واگذار کرد و به او گفت: «فاطمه جان! دخت فرزانه‌ام! از پدر گران قدرت بخواه که پس از مرگ من، جنازه‌ام را با یکی از ردهای خودش - که به هنگام فرود وحی و عبادت خدا برتن می‌نمود - کفن کند و به خاک بسپارد.»

حضرت فاطمه علیها السلام نیز تقاضای مادر را با پدر در میان نهاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خواسته همسر وفادار و فداکار خویش را به انجام رساند و افزون بر پوشاندن جامه بهشت و کفنی که از سوی خدا برای او آمد، یکی از جامه‌های خویش را نیز بر پیکر او پوشاند و آن پیکر نازنین را در قبرستان «معلی» در دامنه کوه «حجون» بر فراز شهر مکه با مراسمی ویژه به خاک سپرد.<sup>۵۲</sup>

### فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در کلام وحی

خداوند متعال، قرآن را برای هدایت مردم نازل کرده است. قرآن برای سعادت و کامیابی انسان‌ها از هر شیوه و روش مناسب تبلیغی استفاده کرده است، به این معنا که هم از زبان قصه استفاده کرده و هم از ضربالمثلها و هم از وعده و وعیدها و هم از انذار و تبشیرها و هم از سویی شخصیت‌های منفی و شخصیت‌های رشدیافته و متعالی را معرفی کرده است. این روش‌ها هر شخص مدبری را به تأمل و امیدارد که قرآن تماماً در پی تحقق هدفی متعال و مقدس است و آن، تطهیر جان از زنگار رذایل و آراسته شدن به فضایل و در یک کلام رسیدن به مقام قرب الهی است.

در قرآن کریم و روایات، ویژگی‌های مهم و متعددی درباره حضرت مطرح شده است. از مهمترین فضایل این بانوی عظیم‌الشأن میتوان به کرامت و احسان، عقل و درایت، موحد

۵۲ . محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۲، ص ۴۳۴.

بودن، ولایتمداری، بهترین و صادقترین همراه و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله و خلق و خوی پسندیده اشاره کرد. ام‌المؤمنین، لقبی است که قرآن کریم بر ایشان نهاد و این بیانگر جایگاه و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام است.

خداوند متعال در آیه ۸ سوره مبارکه ضحی از این بانوی بزرگوار در سرگذشت پیامبر گرامی اسلام یاد کرده است:

«وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى؛ و تو را تهی دست یافت. پس تو را بی‌نیازت کرد.»

این آیه اشاره به بخشش همه اموال حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد. کلمه «عائل» به معنای تهی دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همین طور بودند. خدای تعالی پیامبر را بعد از ازدواج با خدیجه علیها السلام بی‌نیاز کرد. حضرت خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشیده و در حمایت از ایشان نقش بسزایی داشتند.<sup>۵۴</sup>

در تفسیر آیه ۱۱ سوره تحریم نیز روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت، همسرش خدیجه علیها السلام را برترین زنان بهشت معرفی کرده است.

همچنین خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره آل عمران می‌فرماید:

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.»

مخاطب این آیه، کمال و پاکی حضرت مریم علیها السلام است، اما مفسران ذیل تفسیر آیه، به حدیثی از رسول خدا اشاره کرده‌اند: «خیر نساءها مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد؛ بهترین زنان مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد هستند.»<sup>۵۵</sup> لذا می‌توان دریافت که مصداق دیگر این آیه، حضرت خدیجه علیها السلام هستند.

همچنین خداوند در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌فرماید:

۵۴ . محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۴.

۵۵ . ابوالفداء ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴.



«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

در تفسیر این آیه آمده است محمدبن عباس از ابی سعید خدری نقل می کند: «پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: از جبرئیل پرسیدم که منظور از ازواجنا و ذریاتنا کیست؟ گفت: خدیجه و فاطمه ﷺ و منظور از قُرَّةُ أَعْيُنٍ حسن و حسین ﷺ است. همچنین منظور از وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا نیز امام علی ﷺ است.»<sup>۵۶</sup>

آیه ۲۱۴ سوره شعراء نیز اشاره به فضایل حضرت خدیجه ﷺ دارد: «وَأُنذِرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن.» پیامبر اسلام ﷺ در اولین مرحله از دعوت به توحید اقدام به دعوت خویشان و نزدیکان خود کردند. در میان خویشان و نزدیکان پیامبر نزدیک ترین خویشان نسبی امیرالمؤمنین علی ﷺ بودند و نزدیک تر خویشان ایشان براساس رابطه سببی حضرت خدیجه هستند. این دعوت به دین که در درجه اول شامل علی ﷺ و خدیجه ﷺ می شود خود گواه وجود فضیلتی بزرگ در این انسان های والاست.<sup>۵۷</sup>

### فضیلت حضرت خدیجه ﷺ در کلام پیامبر ﷺ

به گواهی روایات پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ، حضرت خدیجه ﷺ از جایگاه رفیعی نزد خداوند و معصومین ﷺ برخوردار بودند. ایشان محبوبه حضرت رسول ﷺ بودند. تا زمانی که خدیجه ﷺ زنده بودند، پیامبر اکرم ﷺ با فرد دیگری ازدواج نکردند. بعد از رحلت شهادت گونه ایشان، پیامبر همیشه از آن بانوی نمونه به نیکی یاد می کردند. ام المؤمنین حضرت خدیجه ﷺ از یک سو نقش زیادی در تثبیت رسالت و پیشبرد اسلام داشتند. از سوی دیگر ائمه ﷺ به دلیل انتساب به ایشان، افتخار می کردند و موجب سرفرازی ائمه در برابر دشمنان بودند. لذا دشمنان اسلام و بدخواهان آن بانوی بی بدیل، با تحریف

۵۶. همان.

۵۷. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۹۹.

تاریخ زندگی ایشان، سعی در کم ارزش کردن ایشان نزد مسلمانان داشتند. روایات و احادیث بسیاری در مجد و شرافت حضرت خدیجه ﷺ نقل شده است که در این بخش تنها به چند نمونه اکتفا میشود. مجموعه این روایات، دلالت روشنی بر شخصیت خورشید پرفروغ عالم اسلام، ام المؤمنین حضرت خدیجه ﷺ دارد.

از قول امیرالمؤمنین ﷺ نقل میکنند: «روزی پیامبر در کنار همسرانش به یاد خدیجه گریه کرد. عایشه گفت: چه خبر است که برای پیر زنی از قبیلۀ بنی اسد این همه گریه میکنی؟! رسول خدا در جواب گفت: شما آن وقت که مرا تکذیب میکردید و کافر بودید، او ایمان آورد و تصدیق کرد و هیچ یک از شما فرزندی نیاوردید ولی او فرزندی آورد.»<sup>۵۸</sup>

ابوسعید خدری از قول پیامبر ﷺ میگوید: «وقتی در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی. پیامبر وقتی به زمین رسید، سلام خداوند و جبرئیل را به خدیجه ابلاغ کرد. خدیجه گفت: همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز میگردد و بر جبرئیل سلام باد.»<sup>۵۹</sup>

حضرت خدیجه ﷺ، همسری مهربانی برای پیامبر بود. ایشان اولین زنی بود که به وی اسلام آورد و با تصدیق رسالت پیامبر تا آخرین لحظه، دست از حمایتش بر نداشت. چنانچه پیامبر میفرماید: «دین اسلام به وسیله دو عامل استوار شد: یکی شمشیر علی و دیگر مال خدیجه.»<sup>۶۰</sup>

پیامبر ﷺ هرگاه به یاد خدیجه میافتاد میگریست و میفرمود: «خَدِيجَةُ وَ اَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَقْتِنِي حِيْنَ كَدَّبْتَنِي النَّاسُ وَ اَزَّرْتَنِي عَلٰى دِيْنِ اللّٰهِ وَ اَعَانْتَنِي عَلَیْهِ بِمَا لَهَا؛ خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ او مرا تصدیق کرد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و باور من

۵۸. همان.

۵۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ص ۷، باب ۵، ج ۱۱.

۶۰. محمدکاظم قزوینی، فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد، ص ۲۶۶.



در راه پیشرفت دین خدا بود و به وسیله مال خود مرا کمک کرد.»<sup>۶۱</sup>

بانو خدیجه رضی الله عنها زنی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان می فرمایند: «چون همه از من روی می گردانیدند، او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود.»<sup>۶۲</sup>

بعد از رحلت حضرت خدیجه رضی الله عنها، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همیشه به یاد محبت ها و تلاش های او بود. پیامبر به بانو خدیجه آن چنان علاقه و محبت داشته و قدردان بودند که قبل از ایشان و حتی در زمانی که بانو در قید حیات بودند، همسری دیگر اختیار نکردند.<sup>۶۳</sup> این قدردانی رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به حضرت خدیجه رضی الله عنها تنها به زمان حیات این بانو خلاصه نمی شد، بلکه پس از وفات ایشان نیز همواره او را یاد و تجلیل می کردند و از هر چیزی که به نوعی یاد و نام بانو را تداعی می کرد، به شایستگی استقبال می کردند. پیامبر با آنکه همسران دیگری هم داشتند، هر وقت که به یاد حضرت خدیجه رضی الله عنها می افتادند، از ایشان به خوبی یاد می کردند و اشک از چشمانشان جاری می شد.

همچنین درباره مقام، منزلت و شخصیت حضرت خدیجه رضی الله عنها در بهشت نیز روایات متعددی در دست است که دال بر بهشتی بودن و جایگاه ویژه این بانوی بزرگوار در نزد خداوند متعال دارد. روایت شده وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر شهادت بود، حضرت فاطمه رضی الله عنها درباره جایگاه آن حضرت در قیامت سؤالاتی پرسید: «این والدتی خدیجه؛ در آن روز مادرم خدیجه کبری رضی الله عنها کجاست؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فی قصر اربعه ابواب إلى الجنة؛ او در قصری است که چهار در سوی بهشت دارد.»<sup>۶۴</sup> همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: «اشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ أَسِيهَ بِنْتِ مَزاحِمِ زَوْجِهِ فِرْعَوْنَ وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةَ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ؛ بهشت، مشتاق چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون که همسر پیامبر در بهشت است؛ خدیجه دختر خویلد همسر رسول خدا در دنیا و آخرت و فاطمه رضی الله عنها دختر محمد»<sup>۶۵</sup>

همچنین در روایتی آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلس عروسی حضرت زهرا رضی الله عنها با حضرت علی رضی الله عنه، به یاد حضرت خدیجه رضی الله عنها اشک ریختند! آن هم در شبی که لازم بود شادمانی می کردند و از این ازدواج خجسته آسمانی، شاد می بودند!»<sup>۶۶</sup>

پیامبر سال ها پس از درگذشت خدیجه، به یاد او بود و بی نظیر بودنش را مطرح می کرد. هنگامی که عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «خدیجه بیش از همسری مسن برای تو نبود»، پیامبر بسیار ناراحت شد و با رد این سخن گفت: «خداوند هیچ گاه برایم همسری بهتر از او جایگزین نکرد، او مرا تصدیق کرد هنگامی که هیچ کس مرا تصدیق نکرد، یاری ام کرد در زمانی که هیچ کس مرا یاری نکرد، از اموالش در اختیارم قرار داد، زمانی که همه، اموالشان را از من دریغ کردند.»<sup>۶۷</sup>

خداوند متعال در ذیل آیه ۱۸ سوره انفطار فرموده است: «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» امام مجتبی رضی الله عنه فرمودند:

«صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ فَكَانَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ الْحُسَيْنُ بِنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسَ بِفَاطِمَةَ وَ كُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسَ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ خداوند متعال علی بن ابی طالب را - هنگامی که در پشت ابوطالب بود- به چهره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آفرید و علی بن ابی طالب (علیه السلام) شبیه رسول

۶۵ . مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳ و ۵۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۹۴.

۶۶ . همان.

۶۷ . یوسف ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۲۴.

۶۱ . شیخ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۶.

۶۲ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳.

۶۳ . الامام شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۶۴ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۱۰؛ صدوق، ۱۴۰۰، ص ۶۳۶.

خدا بود و حسین بن علی به فاطمه شبیه بوده و من به جدۀ ام خدیجه کبری شبیه هستم.<sup>۶۸</sup>

پیامبر اکرم ﷺ علاقه و محبت شدیدی نسبت به حضرت خدیجه ﷺ داشتند و همواره به دوستان و آشنایان ایشان را نیز لطف و عنایت می کردند. به طور مثال پیامبر هنگام ذبح و قربانی می فرمودند: «اذا ذبح شاه یقول ارسلوا الی اصدقاء خدیجه قال فذکرت له یوما فقال انی لاحب حبیبها؛ از گوشت آن، به دوستان خدیجه نیز بدهید؛ چراکه من دوستان خدیجه را نیز دوست می دارم.»<sup>۶۹</sup>

### فضیلت حضرت خدیجه ﷺ در کلام ائمه معصومین ﷺ

حضرت خدیجه ﷺ مادر حضرت فاطمه ﷺ و جدۀ ائمه اطهار ﷺ هستند. این انتساب، یکی از افتخارات ائمه و باعث سرفرازی ایشان در مقابل دشمنانشان بوده است، به گونه ای که اهل بیت در مقابل دشمنانشان به داشتن مادری مثل خدیجه کبری افتخار می کردند. در اینجا چند نمونه از این افتخارات بیان می شود:

۱- در عصر خلافت امام حسن مجتبی ﷺ پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند. از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند. در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیرمؤمنان علی ﷺ جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن و امام حسین در مجلس حاضر بودند. امام حسین ﷺ برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن ﷺ دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی ﷺ را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی ﷺ است. تو معاویه و پدرت صخر است، مادر من فاطمه ﷺ است و مادر تو هند است، جد من رسول خدا ﷺ است و جد تو حرب است. «و جدتی خدیجه و جدتک فتیله...؛ جدۀ من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدۀ تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست

۶۸ . ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ هـ، ج ۴، ص ۲.

۶۹ . ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ص ۲۰۶.

و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است.» گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: آمین!<sup>۷۰</sup>

۲- نظیر حادثۀ فوق در مسجد النبی مدینه رخ داد. امام حسن ﷺ پای منبر معاویه برخاست و به وجود جدۀ اش ام المؤمنین حضرت خدیجه افتخار کرده و فرمود: «و جدتی خدیجه و جدتک نثیله؛ جدۀ من ام المؤمنین خدیجه ﷺ و جدۀ تو نثیله است؛ تو از نسل نثیله (ناپاک) به وجود آمده ای، ولی من از نسل ام المؤمنین خدیجه کبری ﷺ هستم و فرق است بین ناپاک زاده و پاک زاده»<sup>۷۱</sup>

۳- امام حسین ﷺ در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جدۀ من خدیجه دختر خویلد است؟...»<sup>۷۲</sup> و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه هستم؟»<sup>۷۳</sup>

۴- همچنین امام حسین ﷺ در بخشی دیگر خطاب به سپاه مقابل چنین فرمودند:

«أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَتْ أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ شما را به خدا قسم آیا می دانید که رسول خدا جد من است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که مادرم فاطمه دختر محمد مصطفی است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که

۷۰ . محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ص ۱۷۳.

۷۱ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۹۰؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۴۷.

۷۲ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۸.

۷۳ . همان، ج ۴۵، ص ۶.

جده ام خدیجه دخت خویلد اول زن مسلمان از این امت است؟ گفتند: آری»<sup>۷۴</sup>

۵- پس از حادثه جانکاه کربلا و پیروزی حق بر باطل، کاروان اسرا به سمت کوفه و سپس شام در حرکت بود. امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> و حضرت زینب<sup>علیها السلام</sup> بزرگان این کاروان غم‌بار بودند. آزار و اذیت خاندان آل‌الله، دوری مسیر و بد رفتاری ظالمین و ستمگران یزیدی باعث رنجش خاطر فرزندان رسول خدا شده بود. پس از بی‌احترامی‌های آنان نسبت به اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، وقتی خاندان عصمت و طهارت در مسجد اموی دمشق اجلال نزول کردند و مجلس یزید (لعنه‌الله‌علیه) نیز برپا بود، یزید در صدد این بود تا با جسارت تمام، خاندان اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> را خارجی و افراد یاغی و سرکش معرفی کند. پس از آن که اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> بر مجلس یزید وارد شدند، یزید عنان سخن را به دست گرفته و شروع به پاره‌سرایبی کرد. وجود مقدس امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> نیز با مشاهده این سخنان باطل و دروغ‌گویی یزید، ایستاد و خطبه‌ای مفصل در رسواسازی بنی‌امیه بیان کردند و پس از حمد الهی، در معرفی خود چنین فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ نَفْسِي أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَ مَنِّي أَنَا ابْنُ مَرْوَةَ وَ الصَّفَا أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى... أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا...؛ ای گروه مردم! هر کسی مرا می‌شناسد که می‌شناسد و هر کسی که مرا نمی‌شناسد خودم را معرفی می‌کنم. من فرزند مکه و منی هستم. من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند محمد مصطفی هستم...، من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و کسی که به ظلم کشته شده {یعنی امام حسین} هستم»<sup>۷۵</sup>

۶- همچنین امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> در ضمن صلواتی بر اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، نام حضرت خدیجه کبری<sup>علیها السلام</sup> را برده‌اند چنان‌چه فرمودند: «اللهم صل علی محمد المصطفی، وعلی علی المرتضی، و فاطمة الزهراء، و خدیجة الكبرى، والحسن المجتبی...؛ خدایا بر محمد مصطفی و علی

۷۴ . علی بن موسی سیدبن طاووس، اللهوف فیقت لیالطفوف، ص ۸۶.

۷۵ . ابن شهر آشوب، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۶۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۷۴.

مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی درود بفرست.»<sup>۷۶</sup>

۷- سیدبن طاووس دعایی را از امام حسن عسکری<sup>علیه السلام</sup> نقل کرده که آن حضرت در نیایش خود ضمن صلوات بر حضرت فاطمه زهرا، بر مادر ایشان حضرت خدیجه کبری نیز درود می‌فرستد:

«فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَيَّ أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ خدایا بر او [حضرت زهرا] و بر مادرش خدیجه کبری درود بفرست. درودی که به واسطه آن، مقام پدرش (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گرامی داشته شود.»<sup>۷۷</sup>

۸- در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان<sup>علیه السلام</sup> صادر شده است، در فرازی با توجه به حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> چنین می‌خوانیم: «این ابن‌النبی‌المصطفی، و ابن‌علی‌المرتضی، و ابن‌خدیجه‌الغراء؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده<sup>علیه السلام</sup> و پسر علی پسندیده<sup>علیه السلام</sup> و پسر خدیجه بلند مقام». واژه «غراء» به معنی شامخ و ارجمند است که در اینجا به عنوان صفت برای ام‌المؤمنین حضرت خدیجه<sup>علیها السلام</sup> ذکر شده است.

حسب و نسب دشمنان، همیشه باعث سرافکندگی و مایه ننگ آن‌ها بوده است؛ چراکه آنان مادرانی خلاف‌کار و ناپاک داشتند. مثلاً مادر معاویه از فواحش معروف زمان خود بوده است که روابط نامشروع او با بسیاری از مردان قریشی و غیرقریشی در تاریخ ثبت شده است. همچنین جده عمر بن خطاب نیز این‌گونه بوده است، حتی خود غاصبین هم به آن اعتراف کرده‌اند. بنابراین برای منافقین سخت است که وجود مادری مانند حضرت خدیجه را برای اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> قبول کنند. برای همین سعی کردند تاریخ زندگی حضرت خدیجه<sup>علیها السلام</sup> را تحریف کنند و از این طریق نسب اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> را کم‌رنگ کنند.

۷۶ . صحیفه سجادیه.

۷۷ . الشیخ ابوجعفر طوسی، مصباح‌المتهدج.

## فضایل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از منظر اهل سنت

ابن ابی الحدید معتقد است عبدالله بن زبیر با اینکه با خاندان رسالت دشمنی داشت، اما در گفت و گویی با ابن عباس، بر خدیجه رضی الله عنها به عنوان عمه اش افتخار کرده و می گوید: «أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ أَيَا نَمِي دَانِي كَه عَمَهَام خَدِيجَه، سرور بانوان هر دو جهان است؟»<sup>۷۸</sup>

لذا طبق همه شواهد موجود در این زمینه اعم از روایات نقل شده از شیعه و سنی، حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت زهرا رضی الله عنها، سرور بانوان عالمیان هستند؛ ولی منافقان تا جایی که توانستند فضایل و مناقب حضرت خدیجه را حذف کردند. از طرفی دیگر همین فضایل را به دیگران نسبت داده اند تا از فروغ خدیجه رضی الله عنها در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند.

اما منابع تاریخی معتبر خدیجه را بانویی شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود معرفی کرده اند.<sup>۷۹</sup> در روایتی از پیامبر، سرور زنان جهان خدیجه رضی الله عنها، فاطمه رضی الله عنها، مریم و آسیه معرفی شده اند.<sup>۸۰</sup> همچنین پیامبر، خدیجه را از زنان کامل در جهان (همان) و نیز از بهترین زنان معرفی کرده است.<sup>۸۱</sup>

از ابوهیره در صحیح مسلم نیز نقل شده که جبرئیل به پیامبر عرضه داشت:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ وَمَنِي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ؛ خَدِيجَه با ظرفی از غذا و آب به پیش تو می آید. وقتی خدیجه آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان از من جبرئیل هم به او سلام برسان و بشارت بده به حضرت خدیجه که خدای عالم، خانه ای در بهشت

۷۸ . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۳۲۵.

۷۹ . محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۸۱.

۸۰ . اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۱۲۹.

۸۱ . احمد بن علی مقریزی، إمتناع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفده والمطاع، ج ۱۵، ص ۶۰.

برای او از تارهای طلا در نظر گرفته که در آنجا نه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.<sup>۸۲</sup>

همچنین اهل سنت من جمله احمد بن حنبل در مدح حضرت خدیجه رضی الله عنها آورده است: از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ.»<sup>۸۳</sup> انسان آگاه با تأمل در شخصیت حضرت خدیجه می تواند دریابد که ایشان از جهات متعددی نسبت به مریم و آسیه برتری دارد. از جمله این فضایل بذل مال، علم، عبادت، معرفت، صبر و شکیبایی، حضانت اولاد، تدبیر منزل و حسن التبعل است. البته باید گفت مقدمات و زمینه هایی که برای حضرت خدیجه رضی الله عنها فراهم بود برای آسیه و مریم فراهم نبود.<sup>۸۴</sup>

احمد بن ابی یعقوب در کتاب تاریخ خود که جزو قدیمی ترین کتب تاریخی قدیمی است نقل می کند: «توفیت خدیجه بنت خویلد فی شهر رمضان قبل الهجرة بثلاث سنين، و لها خمس وستون سنة، و دخل علیها رسول الله و هي تجود بنفسها، فقال أن الله زوجنيك في الجنة و زوجني مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و كلثوم أخت موسی؛ رسول خدا بر خدیجه در حالی که در سكرات مرگ بود فرمود: ای خدیجه ضراء! خود را در بهشت از من سلام برسان. عرض کرد: ضراء من چه کسانی هستند؟ فرمود: زنان بهشتی من آسیه و مریم بنت عمران و كلثوم خواهر موسی بن عمران و خدیجه بنت خویلد. خدای متعال آن ها را به من تزویج کرده است.»<sup>۸۵</sup>

## نقش حضرت خدیجه رضی الله عنها در رشد و تثبیت رسالت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتم انبیاء است و دینی که از طرف ایشان برای هدایت و سعادت

۸۲ . مسلم بن الحجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۷.

۸۳ . احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۹۴.

۸۴ . ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ص ۲۰۳.

۸۵ . احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

انسان‌ها آورده است، دین جاوید اسلام است که قرار ست تا قیامت باقی بماند. خداوند متعال از روی لطف خویش برای اینکه رسالت پیامبر تثبیت شود، حامیانی از جمله ابوطالب و علی بن ابی طالب (علیهما السلام) قرار داد. یکی از حامیان بسیار مؤثر در این مهم، حضرت خدیجه علیها السلام است.

حضرت خدیجه علیها السلام، برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است که منزلت پیامبر اکرم را به نیکویی شناخت و در طول ۲۵ سال زندگی مشترک، در سخت‌ترین دوران ظهور اسلام، لحظه‌ای از یاری آن حضرت دست نکشید و تمام وجودش را در گسترش رسالت پیامبر تقدیم کرد و حمایت‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه در پیشرفت دعوت پیامبر انجام داد. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تثبیت رسالت پیامبر جنبه‌های مختلف داشته است.

حمایت‌های مادی و معنوی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر گرامی اسلام، در تثبیت اقتدار اجتماعی پیامبر، خنثی شدن توطئه مشرکان قریش در تحریم اقتصادی - اجتماعی در شعب ابی طالب، پیشگیری از اتهامات و سخنان ناروا به پیامبر و کمک به اسلام آوردن افراد نقش بسزایی داشته است.

### ۱- حمایت‌های مالی

مهم‌ترین و مشهورترین نقشی که حضرت خدیجه در راه تثبیت رسالت پیامبر انجام داد، حمایت اقتصادی بود. ایشان تمامی اموال خویش را به پیامبر بخشید و به‌طوری که اسلام مدیون ثروت ایشان است. حضرت خدیجه در ابتدای شروع زندگی، برای جلوگیری از بهانه‌تراشی‌های مخالفان با ازدواج با پیامبر اکرم، مهر و صداق را خود بر عهده گرفت.<sup>۸۶</sup>

حضرت خدیجه چند روز پس از ازدواج با رسول اکرم، تمام اموالش را به رسول خدا بخشید تا آن حضرت هر طور که مصلحت می‌داند آن را هزینه کند. ایشان برای جلوگیری از سیل اتهامات و سخنان ناروا که درباره حضرت محمد می‌زدند و از سر کینه و حسد او را تحقیر می‌کردند و یتیم و تهی دست می‌خواندند. خدیجه علیها السلام پسر عمومیش

۸۶ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی‌های خود را به او سپرد و دستور داد که تمام دارایی خدیجه را به محمد هدیه کند و یادآور شد: این همه دارایی و اموال از این پس، ملک محمد است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند.<sup>۸۷</sup> با توجه به همین بذل مهم، در تفسیر آیه «وَوَجَدَكَ غَائِلًا قَائِمًا»<sup>۸۸</sup> آمده است که خداوند تو را پیش قوم، فقیر یافت بی‌آنکه مالی برای تو باشد. پس با مال خدیجه تو را بی‌نیاز کرد.<sup>۸۹</sup> پیغمبر نیز در تجلیل این فداکاری فرمود:

«مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ: مَالِ خَدِيجَةَ وَ سَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛  
 این دین به مال خدیجه و شمشیر علی تا روز قیامت پا بر جا شد.»

در پاسخ به این تلاش‌ها و یاری‌ها بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را به پاداش خانه‌ای در بهشت بشارت داد، خانه‌ای که در آن رنج و ناز آرمی نیست.<sup>۹۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثروت حضرت خدیجه را بدین طریق به مصرف رساند:

### کمک به اسلام آوردن افراد

پیامبر اکرم از اموال حضرت خدیجه علیها السلام، بردگان تحت شکنجه را خریداری می‌کردند و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد و به بینوایان و تهی‌دستان کمک می‌کردند. پانزده سال قبل از بعثت پیامبر، حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر روزی به مکه آمد و از قحطی و خشکسالی شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند. حضرت خدیجه چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشیدند و او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت. پس از طلوع اسلام، حلیمه به‌همراه شوهرش به مکه آمد و مسلمان

۸۷ . همان، صص ۷۵ تا ۷۷.

۸۸ . سوره ضحی، آیه ۸.

۸۹ . صدوق، ۱۴۲۵ق، ص ۱۳۰.

۹۰ . محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۳.

۹۱ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸.

شد.<sup>۹۲</sup> همچنین مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می‌کردند و مشرکان اموال آن‌ها را مصادره می‌کردند پیامبر ﷺ آن‌ها را با مال حضرت خدیجه ﷺ بی‌نیاز می‌ساختند و موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار می‌زدند؛ از همه مهم‌تر اینکه جلب محبت و جذب دل‌های کافران می‌کردند که از آن به «الْمَوْلَفَةَ قُلُوبُهُمْ»<sup>۹۳</sup> تعبیر می‌شود، البته نه به این معنا که به کافران پول و رشوه داده شده که اسلام بیاورند، بلکه به این معنا که با از بین بردن مشکلات مالی، آن‌ها را نرم کرده و توجه آن‌ها را به زیبایی‌های دین اسلام و آیین نوع دوستی و برادری آن جلب می‌کردند.<sup>۹۴</sup>

### شکستن محاصره اقتصادی شعب ابی طالب

در سال‌های نخست بعثت، مشرکان قریش برای از بین بردن اسلام و تسلیم کردن پیامبر اکرم ﷺ در برابر خواسته‌های خویش به نقشه‌ها و توطئه‌های فراوانی اقدام کردند، اما با تدبیرهای پیامبر اکرم و صبر و استقامت وی و مسلمانان، این توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی می‌شد؛<sup>۹۵</sup> تا اینکه سران قریش به توطئه‌ای دیگر جهت تسلیم کردن پیامبر اکرم اقدام کردند؛ یعنی هم‌پیمان شدن بر تحریم اقتصادی-اجتماعی بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب.<sup>۹۶</sup> سران قریش قطعنامه‌ای در این باره صادر کرده و آن را در خانه کعبه آویزان کردند که به سبب آن، پیامبر اکرم ﷺ و خویشاوندان وی از هرگونه خرید و فروش، ازدواج، ارتباط و معاشرت محروم شدند.<sup>۹۷</sup>

همچنین سران مشرک قریش با اقدام‌هایی مانند نظارت و مراقبت برای اجرا و عدم نقض تحریم‌ها، پایین آوردن قدرت مسلمانان با گران‌تر کردن خرید کالاها از بازار مکه و ممانعت از رسیدن آذوقه و کالا به شعب ابی طالب، وضعیت سختی را برای مسلمانان

پدید آوردند؛ به گونه‌ای که هیچ چیز مگر در نهبان به آن‌ها نمی‌رسید.<sup>۹۸</sup> در این هنگام، حضرت خدیجه ﷺ با فرستادن نمایندگان، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشتند و هنگامی که از کار خویش نتیجه نگرفتند با کمک برادرزاده‌شان، حکیم بن حزام، برای شعب، آذوقه تهیه کردند. از این رو اموال حضرت خدیجه ﷺ در راه پیشرفت و تقویت اسلام، بخش مهمی از توطئه‌های قریش را خنثی کرد.<sup>۹۹</sup> رسول خدا ﷺ در این باره فرمودند: «وَأَنْفَقَ ابُوطَالِبٍ وَ خَدِيجَةَ جَمِيعَ مَالِهِمَا...؛ ابوطالب و خدیجه همه اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره‌شدگان انفاق کردند.»<sup>۱۰۰</sup> همچنین فرمودند: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَةَ؛ هرگز هیچ ثروتی مثل ثروت خدیجه به من سود نبخشید.»<sup>۱۰۱</sup>

حضرت خدیجه ﷺ توانستند با بذل مال خویش، یاران اسلام را که در آغاز راه خود قرار داشتند در مقابل دشمنان حفظ کنند و زمینه شکوفایی اسلام و مسلمین را فراهم کنند.<sup>۱۰۲</sup> بنابراین ثروت و حمایت مالی حضرت خدیجه ﷺ مهم‌ترین عامل در پیشرفت اسلام بوده است.

محمد علی دخیل در کتابش به نقل از کتانی نقل می‌کند: «حضرت خدیجه ﷺ، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف‌ناپذیر به حضرت محمد ﷺ بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می‌بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گران‌مایه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه‌های گیتی برتری دارد به دست می‌آورد.»<sup>۱۰۳</sup>

۹۸ . عزالدین علی ابن اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ص ۹۸؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ص ۱۹۶؛ ابن هشام عبد الملک، سیره محمد رسول الله، ج ۱، ص ۳۴۳؛ احمد بن یحیی، بلاذری، جمل من انساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۳۵ و ۲۳۴؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۳۱۲ و ۶۶.

۹۹ . ساجده العبدلخانی، نقش معنویت حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام، ص ۲۷۲.

۱۰۰ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۶.

۱۰۱ . ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۴۶۸.

۱۰۲ . ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۱۱.

۱۰۳ . علی محمد علی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص ۳۲.

۹۲ . محمدباقر مجلسی، حیوه القلوب، ص ۱۶۴.

۹۳ . سوره توبه: آیه ۶۰.

۹۴ . محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان ج ۹، ص ۴۳۳ و ۴۳۲.

۹۵ . عبد الملک ابن هشام، سیره محمد رسول الله، ص ۴۲۱ - ۳۷۹.

۹۶ . ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۳۹۰ و ۳۸۹.

۹۷ . عبد الملک ابن هشام، سیره محمد رسول الله، ج ۱، ص ۲۱۴.



## ۲- حمایت‌های معنوی

هنگامی که رسول اکرم ﷺ رسالت خود را آغاز کردند، با دشمنی سرسختانه دشمنان اسلام مواجه شدند تا جایی که فرمودند: «مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيَتْ؛ هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد!»<sup>۱۰۴</sup> حضرت خدیجه رضی الله عنها نقش بسزایی در کم کردن فشارهای روحی ناشی از اذیت و آزار کافران بر پیامبر اکرم داشت. حمایت‌های معنوی حضرت خدیجه، پشتوانه بزرگ پیامبر برای مقاومت در برابر سرسختی‌های مشرکان بود. خداوند به‌وسیله حضرت خدیجه دشواری‌ها را بر پیامبرش آسان ساخت تا بتواند رسالت خود را انجام دهد.<sup>۱۰۵</sup>

حضرت خدیجه رضی الله عنها به‌عنوان همدم و یار پیامبر ﷺ، نقشی اساسی در پیشبرد و پیشرفت اهداف مقدس ایشان داشت. لذا حضرت خدیجه در برطرف کردن غم و اندوه و ناراحتی و فشار آزار و اذیت‌های روحی و جسمانی پیامبر ﷺ بسیار تلاش می‌کرد. این بانوی بزرگوار با آرامش بخشیدن به پیامبر ﷺ و تقویت روحیه ایشان برای انجام اهدافی مقدس، در حقیقت بزرگ‌ترین خدمت را به «اسلام» و «قرآن» کردند. ایشان برای ایجاد آرامش و تسکین پیامبر ﷺ از روش‌های گوناگون بهره می‌گرفتند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### اندوه‌زدایی

اندوه‌زدایی از قلب و چهره پرفروغ حضرت محمد ﷺ، آرامش بخشیدن به دل رنجیده و نگران و پر دغدغه ایشان، یکی از ویژگی‌های بارز شخصیتی حضرت خدیجه رضی الله عنها است. در حقیقت خداوند متعال این بانوی بزرگوار را وسیله‌ای قرار داد تا پیامبر ﷺ برای دریافت پیام خداوند و بیان درست زبانی و عملی آن به عصرها و نسل‌ها در برابر آن همه خودکامگی، کارشکنی، شیطنت و گمراهی تاب بیاورد و با از بین رفتن غم و اندوه، امید تازه‌ای پیدا کند تا پیمودن مسیر برایش هموار و آسان شود.

در منابع معتبر به‌صورت فراوان نقل شده است:

۱۰۴ . علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الانمه، ج ۲، ص ۵۳۷.

۱۰۵ . سیدمحمدحسین جلال‌زاده میبیدی، خدیجه ام المؤمنین از ولادت تا شهادت، ص ۱۴۹.

«... وَ كَانَتْ خَدِيجَةً وَزِيرَةً صَدَقَ عَلَيَّ الْإِسْلَامُ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا؛ و خدیجه وزیر راستین اسلام (مشاوری خردمند) بود و رسول خدا با مهر و صفای او آرامش می‌یافت.»<sup>۱۰۶</sup>

### دلجویی از پیامبر

حضرت خدیجه رضی الله عنها در همه دردها و رنج‌ها و سختی‌های رسالت، از پیامبر دلجویی می‌کرد. در اثبات این ادعا چند روایت بیان می‌شود:

محمد بن اسحاق روایتی نقل کرده است که حضرت رسول هر وقت از تکذیب قریش و اذیت‌های ایشان محزون و آزرده می‌شد، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی‌کرد مگر ذکر خدیجه. هرگاه خدیجه را می‌دید، مسرور می‌شد و خدیجه، آن بزرگوار را در بر می‌گرفت و می‌بوسید و امر قریش را توهین می‌کرد و برای سلامتی پیامبر صدقه می‌داد.<sup>۱۰۷</sup>

و عن ابن عباس قال: «خرج ذات يوم إلى جبل حراء، فتهتف به جبرئيل و لم يبدو له، فغشي عليه، فحملوه مشركو قریش إليها، و قالوا: يا خديجة تزوجت بمجنون، فوثبت خديجة من السرير، و ضمته إلى صدرها، و وضعت رأسه في حجرها، و قبلت عينيه، و قالت: تزوجت نبياً مرسلًا؛ روزی پیامبر اسلام هنگام دریافت وحی، بی‌تاب شد. مشرکان، پیامبر را مدهوش به نزد خدیجه آوردند و گفتند: با مردی دیوانه ازدواج کرده‌ای. خدیجه، پیامبر را به سینه خود فشرد، سر پیامبر را در دامن گرفت و دو چشم پیامبر را بوسید و فرمود: با پیامبری که فرستاده الهی است ازدواج کرده‌ام.»<sup>۱۰۸</sup>

همچنین هنگامی که وحی بر پیامبر اکرم نازل شد، او از جلال و جبروت خداوند متعال از حال رفت. بعد از آن هم نگران انکار مردم و عدم پذیرش آن‌ها و هراسان از آن

۱۰۶ . فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۱۱؛ بیهقی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۵۲؛ ابومحمد عبدالملک ابن هشام حمیری، سیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۶.

۱۰۷ . ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۵.

۱۰۸ . سیدهاشم حسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۷.





مسئولیت بزرگ بود. لذا وقتی که وارد خانه شد، آنچه را که دیده و شنیده بود، برای همسر خود نقل کرد و دل‌نگرانی‌های خویش را بازگو کرد. حضرت خدیجه کمترین اثری از ترس و تردید ظاهر نساخت و نگاهی از روی احترام به او کرد<sup>۱۰۹</sup> و گفت: «أبشیر یا ابن العم واثبت فوالذی نفس خدیجة بیده انی لأزجو أن تكون نبی هذه الأمة؛ شاد و پایدار باش. به خدایی که جان خدیجه به دست اوست، من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی. خدای متعال تو را خار نخواهد کرد، تو به خویشان نیکی می‌کنی، راست می‌گویی، رنج می‌بری، از مهمان‌پذیری می‌کنی و از تحمل زحمت در راه حق باک نداری»<sup>۱۱۰</sup>. بنابراین وقتی پیامبر پس از دریافت وحی، از مسئولیت بزرگ و انکار مردم دچار نگرانی و اضطراب می‌شدند؛ حضرت خدیجه از ایشان دلجویی می‌کردند و غبار غم را از چهره‌شان می‌زدودند.

### سپر پیامبر در برابر آزار و اذیت مشرکان

زمانی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دعوت خود را علنی کردند مشرکان مکه که تاب تحمل این دعوت آسمانی را نداشتند با روش‌های گوناگون به رسول خدا جسارت می‌کردند. یکی از این روش‌ها، سنگ‌پرتاب کردن به حضرت محمد بود. حضرت خدیجه فداکارانه خود را همچون سپری در برابر این سنگ‌ها قرار می‌دادند تا جان پیامبر را حفظ کنند.<sup>۱۱۱</sup> از جمله آنجا که پیامبر اکرم در ابتدای دعوت خود، به بالای کوه مروه رفت و به معرفی خود به‌عنوان رسول خدا پرداخت، ابوجهل سنگی برداشت و به‌سوی پیامبر پرتاب کرد و مردم فرومایه نیز به پیروی از ابوجهل، پیامبر را سنگباران کردند. امیرمؤمنان علی و حضرت خدیجه، پیامبر اکرم را به خانه آوردند. هنگامی که مشرکان متوجه شدند که حضرت به خانه بازگشته است، دسته‌جمعی به‌سوی خانه حضرت آمدند و خانه را سنگ‌باران کردند. باز حضرت علی و حضرت خدیجه خودشان

۱۰۹. اکرم‌السادات هاشمی‌نژاد، سرور زنان جهان ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری، ص ۱۱۱.

۱۱۰. ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲.

۱۱۱. باقر شریف القریشی، ام‌المؤمنین حضرت خدیجه؛ مضاربه پیامبر اکرم با اموال حضرت خدیجه، ص ۱۱۹.



را سپر پیامبر قرار می‌دادند. خدیجه کبری صدا زدند: «ای مردم قریش! شرم و حیا نمی‌کنید که خانه زنی را سنگ‌باران می‌کنید؟ از خدا بترسید». سپس مشرکان پراکنده شده و به خانه‌های خود رفتند. رسول خدا، خدیجه را صدا زد و او را به سلام خدا و مقام رفیع در بهشت بشارت داد.<sup>۱۱۲</sup>

حضرت خدیجه با ایمان پاک و محبت خلل‌ناپذیر خود، برای حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پشتیبانی وفادار بودند که رنگ غم از آینه روح بزرگش می‌زدود و او را تقویت می‌کرد. به‌دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که خدیجه داشت، پناهگاهی برای حضرت محمد به حساب می‌آمد. هنگامی که نادانان در هر کوی و برزنی، با حربه‌های جاهلیت به استقبال حضرت محمد می‌رفتند، دست مهربان و پر محبت خدیجه بود که مرهم امید و حیات بر جراحات جسم و جاننش می‌گذاشت و برای ادامه راه رهایی امت، ایشان را آماده می‌ساخت.<sup>۱۱۳</sup>

در میان همه فشارها، سختی‌ها، استهزاء و آزارها، حضرت خدیجه نه‌تنها به‌عنوان یک همسر، بلکه به‌عنوان کسی که می‌توانست رسول خدا را بفهمد، همراه و همدل ایشان بود و استقامت می‌کرد. به‌راستی فقط او می‌توانست پیامبر را با آن روح بزرگ دریابد و رسول خدا در هیچ‌جا آرام نمی‌گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره و این آرامش، نه جسمانی و زمینی، بلکه روحانی، آسمانی و الهی بود.<sup>۱۱۴</sup>

دکتر بنت الشاطی از بانوان نویسنده مصری معتقد است: «در سال‌های نخستین مظلومیت پیامبر، حضرت خدیجه مانند یاری غمخوار و مبارز در کنار او قرار گرفت، مقاومت کرد و رنج و عذابی را که از «قریش» در راه رسالت پیامبر می‌رسید، بر او آسان می‌کرد»<sup>۱۱۵</sup>.

۱۱۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۱۱۳. تهرانی، همان، ص ۵۲۵.

۱۱۴. یوسف بن قزاوغلی بن عبدالله بغدادی ابن جوزی، تذکره الخواص الأمة فی خصائص الائمة، ص ۲۷۳.

۱۱۵. عایشه بنت الشاطی، بطله کربلاء، ص ۱۳.

پیامبر اسلام ﷺ هر چیز مکروهی را که می‌دید و می‌شنید و هر ناروایی را که بر او وارد می‌شد و محزون و متأثرش می‌ساخت با حضرت خدیجه رضی الله عنها در میان می‌گذاشت. خداوند به‌وسیله آن حضرت، امور ناروا را فرج و گشایش عنایت می‌فرمود. این بانوی بزرگ اسلام همواره پیامبر را به ثبات و مقاومت فرا می‌خواند و با درایت و عطوفت خود، دردها و رنج‌ها و آلام پیامبر ﷺ را تسکین می‌داد.<sup>۱۱۶</sup>

حضرت خدیجه رضی الله عنها قبل از ازدواج با رسول خدا ﷺ، از امکانات مادی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت؛ اما در طول زندگی مشترک با آن حضرت، انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها را پذیرا شد و با مشاهده آزار و اذیت‌هایی که همسر محبوبش از طرف مشرکان متحمل می‌شد، هرگز صبر و مقاومت خود را از دست نداد. او پیوسته در سایه ایمان و اعتقاد به حقانیت دین پیامبر ﷺ و در راستای کسب رضای پروردگار به صبوری مبادرت می‌ورزید و رسول خدا ﷺ را نیز به مقاومت دعوت می‌کرد؛ زیرا پیامبر را به خوبی می‌شناخت و رسالت او را به‌روشنی فهمیده و آن را با تمام جان‌ش پذیرفته بود. بنابراین با همه توان خود، در راه تثبیت و گسترش آن، ایستادگی کرد. به‌راستی که کمتر همسری می‌تواند این چنین حساس، فهمیده، با کمال و عمیق، عالم و واقع‌بین باشد.

علامه سیدشرف الدین در این زمینه می‌نویسد: «او مدت بیست‌وپنج سال با پیامبر ﷺ زندگی کرد، بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می‌ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری بر نمی‌گزید. او در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر بود؛ زیرا با مال خود به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می‌کرد و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می‌کردند، تسلی می‌داد.»<sup>۱۱۷</sup>

یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت خدیجه رضی الله عنها در زمینه تسلی دادن به پیامبر ﷺ در مقابل اذیت و آزار مخالفان، تصدیق و تأیید ایشان در همه زمینه‌ها بوده است. بدون تردید این

۱۱۶ . محمدبن عبدالکریم ابن اثیر، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۸۲.

۱۱۷ . علی محمدعلی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص ۳۱.

کار بانوی بزرگ اسلام دارای آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر و ناکامی دشمنان و ایجاد سستی و تزلزل در عقاید خرافی آنان داشته است. روایاتی که در ذیل به‌عنوان شاهد ذکر می‌شود دلالت بر اهمیت این موضوع در آن شرایط سخت و دشوار دارد؛ زیرا خدیجه رضی الله عنها زمانی رسول خدا را تأیید و تصدیق کرد که بزرگان قریش و دیگران او را دروغگو یا مجنون می‌پنداشتند.

روشن‌ترین دلیل برای ارائه این مطلب این است که پیامبر ﷺ بارها فرمودند: «خدیجه و این مثل خدیجه؟ صدقنتی حین کذبنی الناس و وارزنتی علی دین الله، و أعانتنی علیه بمالهها...»؛ از خدیجه سخن گفتید؟ و کجا مانند آن بانوی خرد و پروا، ایمان و اخلاص و بندگی و آزادگی می‌توان یافت؟! او بود که در آن شرایط بحرانی - که مردم مرا در دعوت آزادی خواهانه‌ام دروغگو می‌انگاشتند- با شهادت، ایمان و راستی و درستی، مرا گواهی کرد؛ در راه دین خدا و پیشرفت، آن بارگران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید و با دارایی هنگفت خویش، مرا در راه هدف‌های بلندمدت مدد رساند...»<sup>۱۱۸</sup>

#### ۴. بازاندیشی درباره شخصیت و سیره حضرت خدیجه رضی الله عنها

بعد از پیامبر ﷺ، قدرت خلافت و سیطره بر تمامی ارکان حکومتی از یک طرف و ممنوعیت نشر و نقل و کتابت روایات پیامبر اسلام ﷺ از طرف دیگر، راه جعل و تحریف را در تمامی امور مربوط به دین باز کرده بود؛ به‌صورتی که کافی بود فروعی از فروع دین یا جزئی از اجزای اعتقادات اسلامی، کوچک‌ترین ضرری برای دستگاه حکومتی خلفا و همچنین توابع آنان داشته باشد تا آن را به‌کلی حذف کرده یا چنان دستکاری کنند که دیگر کارایی خود را از دست بدهد. از این‌رو دشمنان اسلام و منافقین برای حفظ منافع خود و مبارزه با نفوذ اسلام، تلاش‌های زیادی انجام دادند. یکی از اقدامات منافقان، دستبرد در سیره زندگی بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه رضی الله عنها است.

نتیجه تلاش‌های منافقان و دشمنان در این راستا، ورود تحریفات عدیده در تاریخ زندگی آن بانوی نمونه است. آنان با دستبرد در تاریخ موفق شدند شبهاتی درباره زندگی حضرت

۱۱۸ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

در اذهان مسلمین در تمامی عصرها ایجاد کنند و مردم را از حقایق دین منحرف کنند از جمله اینکه حضرت خدیجه علیها السلام از محبوب‌ترین زنان پیامبر نبوده است؛ زیرا ایشان بیوه بوده و با پیامبر اکرم تفاوت سنی زیادی داشتند و دیگر اینکه حضرت قبل از ازدواج با پیامبر، با دو کافر ازدواج کرده بودند یا اینکه ثروت حضرت خدیجه در گسترش اهداف دین تأثیری نداشته است یا ثروتشان در مقابل ثروت دیگران، ناچیز بوده است.

متأسفانه منافقان به نحوی این کار را انجام دادند که هر کس در ابتدای امر آن مطالب را می‌پذیرد، اما با اندکی مطالعه در کتب تاریخ مشخص می‌شود که برخی از این تحریفات با اعتقادات شیعه سازگاری ندارد. از این رو با جعل مطالب در تاریخ، حقیقت آن مطلب ثابت نمی‌شود، بلکه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با توجه به سخنان آن بزرگواران، هر چیزی که با اعتقادات شیعه سازگار باشد را می‌پذیرند و اگر مخالف بود آن را رد می‌کنند. در اینجا به بررسی این گونه شبهات پرداخته می‌شود:

## ۱- سن

یکی از مسائل بحث‌برانگیز درباره حضرت خدیجه علیها السلام، سن او در هنگام ازدواج با پیامبر خداست. در این موضوع چند نظر وجود دارد که قابل بررسی است.

بر اساس روایات وارده، اختلاف نظرهایی درباره سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد از جمله: ۲۵ سال،<sup>۱۱۹</sup> ۲۸ سال<sup>۱۲۰</sup>، ۳۵ سال<sup>۱۲۱</sup>، ۴۰ سال<sup>۱۲۲</sup>، ۴۴ و ۴۵ سال<sup>۱۲۳</sup> و ۴۶ سال<sup>۱۲۴</sup>؛ اما آنچه در گزارش‌های تاریخی در کتب اهل سنت مشاهده می‌شود این است که حضرت خدیجه کبری علیها السلام در هنگام ازدواج با پیامبر اکرم ۴۰ ساله بود. ابن اثیر در تاریخ خود می‌نویسد: «هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایشان را تزویج

۱۱۹ . احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، ج ۲، ص ۷۲.

۱۲۰ . ابی عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۰۰.

۱۲۱ . ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۵

۱۲۲ . ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۷۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳.

۱۲۳ . محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۷۴.

۱۲۴ . احمد بن یحیی بلذری، جمل من انساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۸.

کرد ۲۵ سال داشت و خدیجه علیها السلام ۴۰ ساله بود؛ ولی اقوال دیگری نیز وجود دارد.<sup>۱۲۵</sup> اما روایت‌های معتبرتری نشان می‌دهد که ایشان تقریباً هم‌سن رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و در زمان ازدواج مانند آن حضرت، حدود ۲۵ سال داشتند. به طوری که در منابع شیعی سن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر را ۲۵، ۲۸، ۳۰ و ۳۲ سال نیز دانسته‌اند که ما به دو قول مشهور در میان مورخان اسلامی اشاره می‌کنیم.

اول: عده‌ای از مورخان می‌گویند سن خدیجه کبری علیها السلام ۲۵ سال بوده است. در این صورت حضرت با پیامبر اکرم هم‌سن بوده است. بیهقی در مختصر تاریخ دمشق می‌نویسد: «سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با رسول خدا ۲۵ سال بوده است.»<sup>۱۲۶</sup>

آنچه مورد اتفاق اکثر علمای شیعی است همان سن ۲۵ سال است. مرحوم مجلسی در کتاب حیوه القلوب از شیخ طبرسی نقل می‌کند: «اول زنی که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تزویج کرد خدیجه دختر خویلد بود و در این هنگام ۲۵ سال داشت.»<sup>۱۲۷</sup> بنابر دیدگاه بیهقی، اگر سن او در زمان وفاتش ۵۰ سال باشد و پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرده باشد در زمان ازدواج ۲۵ ساله بوده است.<sup>۱۲۸</sup>

دوم: عده‌ای هم قائل هستند که سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، ۲۸ سال بوده است. ابن عباس و جمعی از دانشمندان برآنند که حضرت ۲۸ ساله بوده است.<sup>۱۲۹</sup>

آنچه مورد ترجیح کثیری از مورخان است، سن ۲۸ سالگی است. یعقوبی در این باره می‌نویسد: «وفات خدیجه در سن ۵۷ سالگی بوده است.»<sup>۱۳۰</sup> با احتساب اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ سال با وی زندگی کرده‌اند، بنابراین حضرت خدیجه هنگام ازدواج ۳۲ ساله بوده است.

۱۲۵ . علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۲۳.

۱۲۶ . بیهقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷.

۱۲۷ . محمدباقر مجلسی، حیوه القلوب، ج ۲، ص ۸۳۳.

۱۲۸ . بیهقی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷.

۱۲۹ . ابوالحسن اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۱۳۶ و ۱۳۹.

۱۳۰ . ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

بعضی از علمای بزرگ شیعه مانند علامه جعفر عاملی این نقل را پذیرفته‌اند و اعتقاد دارند که سن حضرت خدیجه هنگامی که با رسول خدا پیوند ازدواج بستند، بیشتر از ۲۵ یا ۲۶ سال نبود و حتی قبل از آن هم هیچ ازدواج دیگری نداشته‌اند.<sup>۱۳۱</sup> با توجه به دیدگاه برخی علمای شیعه که حضرت خدیجه را هنگام ازدواج با پیامبر، عذراء (دوشیزه) دانسته‌اند تقویت می‌شود؛<sup>۱۳۲</sup> زیرا بعید به نظر می‌رسد زنی همچون خدیجه با مقام و مکنت خود در قریش تا ۴۰ سالگی ازدواج نکرده باشد. با توجه به مجموع این دلایل سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر را ۲۵ یا ۲۸ سال دانسته‌اند. در واقع منافقان و مخالفان اسلام، با نشر برخی اکاذیب و رسوخ دادن آن‌ها به درون تاریخ، با بالابردن سن ایشان سعی در مخدوش کردن چهره حضرت خدیجه در نزد همگان داشتند!

## ۲- ازدواج

بعد دیگر تحریف سیره حضرت خدیجه این است که می‌گویند خدیجه، پیش از ازدواج با پیامبر اسلام، ازدواج کرده است و از آن همسران، صاحب فرزندان شده است. بیوه‌بودن ایشان، در واقع تهمتی نارواست؛ چراکه با واقعیت زندگی ام المؤمنین (سلام‌الله‌علیها) فاصله بسیاری دارد. زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه شیعه ناسازگاری و منافات دارد؛ ثانیاً این مطلب از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجهت و اعتبار کافی است. در اینجا به بررسی این دلایل می‌پردازیم:

### ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع

یکی از مسلمات مذهب جعفری، عصمت خاندان پیامبر اکرم است. عصمت در اینجا فقط به معنای پاکی از گناه و فکر گناه نیست؛ بلکه به معنای تطهیر خاندان پیامبر اکرم از هرگونه رجس و آلودگی است. کامل‌ترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است.<sup>۱۳۳</sup> خداوند در این آیه، اهل بیت رسول خدا را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلیدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است. با توجه به این آیه،

۱۳۱ . جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۲، ص ۱۱۴.

۱۳۲ . ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۵۹.

۱۳۳ . سوره احزاب: آیه ۳۳.

عصمت از گناه و فکر آن، در برگیرنده قسمتی از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می‌کند که اغلب در بیان معنای عصمت به دست فراموشی سپرده می‌شود. این دوری از ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است. یکی از آن مصادیق، آلودگی آبا و اجداد معصومین در زمان جاهلیت است که این مسئله در این آیه به طور کلی نفی شده است. مؤید ما در این مدعی، عباراتی است که در غالب زیارت‌نامه‌های وارده از معصومین آمده است:

«كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا؛ شما نوری بودید در صلب‌های مردان بلندمرتبه و در رحم‌های زنان پاک که جاهلیت، شما را با آلودگی‌های خود نیالود.»<sup>۱۳۴</sup>

علاوه بر این یکی از القاب حضرت خدیجه، طاهره است<sup>۱۳۵</sup> و این لقب در زمان جاهلیت به ایشان داده شد. از این رو می‌توان فهمید که آن حضرت، در زمان جاهلیت پیرو یکی از ادیان الهی بوده و به احکام آن عمل می‌کرده است. این پایبندی به حدی بوده که ایشان به طاهره ملقب بوده‌اند آن هم در دورانی که مردم بیشتر در فساد و بی‌بندوباری بوده‌اند. مجلسی می‌گوید: «او همیشه انتظار ظهور پیامبر موعود را می‌کشید و از عموی خود ورقه بن نوفل جویای نشانه‌های نبوت بود.»<sup>۱۳۶</sup> در روایات نیز آمده است احترام حضرت محمد به خدیجه به خاطر عقیده‌اش به توحید بوده است. از آنجا که پیامبر پانزده سال قبل از بعثت با خدیجه ازدواج کرده، در حالی که هنوز اسلام به آن حضرت عرضه نشده بود و نیز دیگر ادیان الهی به جز ادیان ابراهیمی به نحوی توحید از آنان رخت بر بسته بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت خدیجه به مکتب حنیف و توحیدی ابراهیمی بوده است.

جعفریان خاطر نشان می‌کنند: «حنیف به کسی اطلاق می‌شود که در مقابل شرک ایستادگی کرده، تمایل به دین حق و توحید ابراهیمی دارد. از آنجا که اجداد پیامبر

۱۳۴ . زیارت اربعین امام حسین.

۱۳۵ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۲.

۱۳۶ . همان، ص ۵۷.

اکرم علیه السلام همه موحد بوده‌اند، در این صورت ازدواج ایشان با افراد مشرک و بت پرست جایز نبوده است. این موضوع در روایات معصومین علیهم السلام کراً تصریح شده است.<sup>۱۳۷</sup>

طبق شریعت‌های توحیدی، ازدواج موحد با کافر و مشرک حرام است و اگر بر خلاف دستور دین، چنین ازدواجی صورت بگیرد، باطل محسوب می‌شود. با این حساب ازدواج ام‌المؤمنین علیها السلام با دو کافری که بت پرست بوده‌اند، از لحاظ دینی حرام است و در صورت وقوع آن، این ازدواج شرعی نبوده، بلکه امری غیر شرعی محسوب می‌شده است که این خود، نافی پاکي و طهارت است.<sup>۱۳۸</sup> پس با این توضیحات، اینکه ام‌المؤمنین علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج کرده، رد می‌شود؛ زیرا این مطلب درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از ایشان سلب می‌کند.

### عدم اعتبار گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج خدیجه علیها السلام

اگرچه گزارش‌های تاریخی درباره ازدواج خدیجه علیها السلام مغایر با اصول اعتقادی اسلام و به‌ویژه شیعه است و هیچ‌گونه اعتباری ندارد، اما لازم به ذکر است بازگشت این اخبار به منابع روایی و تاریخی اهل سنت است. این ادعا به‌طور حتم از منابع آنان صادر شده است و در هیچ‌یک از منابع روایی شیعه در آن ردپایی نیست. یکی از دلایل آنان می‌تواند توجیه این مطلب باشد کسانی که ادعای جانشینی پیامبر خدا را داشتند از ایمان اجداد خود محروم بودند و برای پر کردن این خلأ دست به تحریف واقعیت‌های تاریخی زدند.<sup>۱۳۹</sup>

اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه معتقدند که ایشان تا زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با هیچ‌کس ازدواج نکرده‌اند. سیدمرتضی و شیخ طوسی روایت کرده‌اند: «چون آن حضرت، خدیجه را تزویج کرد، او باکره بود و به عقد شوهر دیگری پیش از آن حضرت در

نیامده بود.»<sup>۱۴۰</sup> انصاریان در کتاب خود می‌گویند: «با تحقیقاتی که انجام شده، خدیجه کبری علیها السلام حاضر نشد احدی از افراد مکه را به‌عنوان شوهر انتخاب کند؛ زیرا فردی را از نظر اخلاق، روش و منش هم‌شان خود نمی‌دید.»<sup>۱۴۱</sup> بنابراین خدیجه کبری علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز ازدواج نکرده بود.

همچنین واقدی معتقد است: «وكانت خديجة وهى بكر... خديجة بهنگام ازدواج با رسول خدا باکره بود.»<sup>۱۴۲</sup> همچنین نقل شده است: «وكانت خديجة امرأة باكرة ذات شرف و مال كثير و تجارة ثبعت بها إلى الشام فتكون غيرها كعامه غير قريش؛ خدیجه زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیار بود. کاروان تجاری‌اش را به‌سوی شام می‌فرستاد و کاروان او به‌اندازه تمام کاروان قریش بود.»<sup>۱۴۳</sup>

### ۳- ثروت

درباره ثروت حضرت خدیجه علیها السلام شباهت زیادی مطرح می‌شود از جمله اینکه این ثروت از دو همسر قبلی ایشان به ارث رسیده است و اینکه یک زن جوان، این همه ثروت را چگونه به دست آورده است؟

درباره ارث‌بردن ثروت از همسران قبلی ایشان، در شبهه بیوه‌بودن حضرت خدیجه پاسخ داده شد. اینکه آن حضرت در جوانی این ثروت را چگونه به دست آورده است، توضیحاتی در ادامه بیان می‌شود:

غالب مردم شهر مکه، به حرفه تجارت اشتغال داشتند و عزت و قدرت در آن شهر، از آن کسانی بود که ثروت و مکنت داشتند؛ تا جایی که آن‌ها برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، حتی اگر به قیمت خوردن مال یتیم یا گرفتن ربا بود. در چنین محیطی، ارادة حق تعالی بر این بود که خدیجه کبری (سلام‌الله‌علیها)،

۱۴۰ . محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج ۲، ص ۸۳۳.

۱۴۱ . حسین انصاریان، مقام حضرت خدیجه، ص ۱۹.

۱۴۲ . ابن جوزی حنفی، تذکره الخواص الأمة فی خصائص الائمة، ص ۲۷۱.

۱۴۳ . ابوالقاسم أصبهانی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱۳۷ . رسول جعفریان، سیره رسول خدا، ص ۱۸۶.

۱۳۸ . حسین تهرانی، محبوبه المصطفی، ص ۳۰ تا ۳۴.

۱۳۹ . مهدی آقابابایی، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری، ص ۳۸.

ثروتمندترین فرد و با عظمت‌ترین شخصیت باشد، کسی که ثروتمندترین مرد مکه در خیال خود نیز به رقابت با وی نیندیشد.

به دست آوردن ثروت، امر خارق‌العاده‌ای نیست و نیاز به معجزه هم ندارد، بلکه آنچه که در تحصیل ثروت مهم است داشتن فکر و اندیشه اقتصادی است؛ زیرا چه بسا افرادی که از کانال ارث و... به ثروتی دست پیدا کردند، اما به واسطه نداشتن تدبیر و مهارت‌های اقتصادی، نه تنها چیزی به ثروت خود نیفزودند، بلکه آنچه که داشتند را نیز از دست دادند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تجربه و بینش بالایی در امر تجارت و به دست آوردن ثروت داشتند. لذا روز به روز به ثروت آن حضرت افزوده می‌شد تا جایی که او را در زمان جاهلیت به همین خاطر «بانوی قریش» نامیدند.<sup>۱۴۴</sup>

#### عوامل مؤثر در افزایش ثروت حضرت خدیجه

حضرت خدیجه بانوی ثروتمندی بود که این ثروت عظیم، از مدیریت قوی ایشان سرچشمه می‌گرفت. ایشان با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارته‌اش می‌بود. خدیجه از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری می‌رفت و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می‌آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آن‌گاه اداره امر مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک‌منش و با مدیریت توانمند و ظریف ایشان، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده ایشان آشناتر می‌کند که واقعاً حضرت خدیجه در آن روزگاریها، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود.<sup>۱۴۵</sup>

۱۴۴. حسین تهرانی، خصائص ام‌المؤمنین خدیجه کبری (س)، ص ۱۲۶.

۱۴۵. کرمی، ۱۳۹۶، ص ۵۲.

خدیجه در تجارت خود از رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم‌فروشی و فریب، رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه رایج و هر نوع حرام‌خواری مرئی و نامرئی برای انباشتن ثروت دوری می‌کرد. ایشان کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می‌داد که دادوستد، سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه‌های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

خدیجه به دلیل همین ویژگی‌های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می‌کرد. در نتیجه راه‌های موفقیت او بازتر می‌شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می‌گرفت.<sup>۱۴۶</sup>

حضرت خدیجه در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را از میان انسان‌های سالم، امانت‌دار، درست‌کار، آزمون‌شده و ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد. ایشان از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارته‌اش را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می‌آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می‌بخشید.<sup>۱۴۷</sup>

حضرت خدیجه در روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می‌جست. پیامبر در مقام حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی خدیجه در این راه چنین فرمود:

«مَا رَأَيْتُ مِنْ صَاحِبَةٍ لِأَجِيرٍ خَيْرٌ مِنْ خَدِيجَةَ وَمَا كُنَّا نَزْجِعُ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تَخَفَةً مِنْ طَعَامٍ تَحَبُّوهُ لَنَا؛ من مدیر و کارفرمایی پرمهتر و حق‌شناس‌تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستانم پس از کار، نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره

۱۴۶. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۱۴۷. کرمی، ۱۳۹۶، ص ۴۸.



او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می‌کرد و با کارگزاران و زبردستان بزرگ‌منشانه و انسانی رفتار می‌کرد.<sup>۱۴۸</sup>

با توجه به عواملی که بیان شد، راز ثروت عظیم حضرت خدیجه مشخص می‌شود و شبهه ارتبیدن از همسران قبلی ایشان رفع می‌شود. بدون هیچ تردیدی، سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید نقشی اساسی داشت؛ چراکه اسلام در حال شکل‌گیری، نیاز به امکانات اقتصادی داشت. خدا بر اثر درست‌اندیشی و اخلاص خدیجه علیها السلام، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا سازد. با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و مسلمانان همراه او در آن مرحله حساس، هدف پیامبر که برپایی عدالت و آزادی بود محقق شود. به همین جهت پیامبر فرمود: «ما نفعني ما قط مثل ما نفعني مال خديجة؛ هیچ ثروتی، مانند ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد.»<sup>۱۴۹</sup>

به گزارش تاریخ، اسلام پس از فرود آمدن بر قلب و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اساسی، بسط و گسترش یافت: ۱. جهاد و فداکاری همه‌جانبه امام علی علیه السلام؛ ۲. ثروت و حمایت‌های گسترده حضرت خدیجه علیها السلام. به این معنی که قلب مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله شایستگی دریافت وحی و وظیفه خطیر رسالت را بر عهده داشت، امام علی علیه السلام هم با شجاعت بی‌نظیرش به اسلام قدرت بخشید و حضرت خدیجه علیها السلام نیز تمام مهر و محبت و ثروتش را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید تا اسلام محمدی پایدار بماند، اما مخالفان و دشمنان، متأسفانه این واقعیت تاریخی را تحریف کرده‌اند.

روایت است حضرت خدیجه علیها السلام، به خاطر دفع بدگویی از پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل فقر و تنگدستی، پسر عمویش ورقه بن نوفل را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی‌هایش را به او سپرد که ورقه آن‌ها را به حضرت محمد هدیه کند. ورقه نیز با داشتن دستورالعملی جامع از طرف خدیجه علیها السلام، در میان جمعیت حاضر کنار کعبه و بین زرم و مقام وارد شد و با صدای بلند فریاد زد: «این خدیجه تشهدهم علی أنها قد وهبت نفسها و مالها و

۱۴۸ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

۱۴۹ . همان، ج ۱۹، ص ۶۳.

عبدها و خدمها و جمیع ما ملکت یمینها و المواشی و الصداق و الهدایا لمحمد... إجلاله و إعظاماً و رغبةً فیہ فکونوا علیها من الشاهدین؛ خدیجه بانوی بزرگ و با اقتدار قریش، شما را به گواهی می‌طلبید! همه شما شاهد باشید که او خودش، ثروت و سرمایه‌اش و همه خدم و حشم و جمیع مایملک خود و چهارپایان و صدق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده، همه را به محمد بخشیده و در ملک خاص او قرار داده است، تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود. در عین حال، عشق و علاقه خود را به محمد بازگو کند! همه شما که حرف‌های مرا شنیدید، بر این گفته‌ها گواہ باشید!»<sup>۱۵۰</sup>

سلیمان کتانی نیز در این باره می‌نویسد: «خدیجه، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف‌ناپذیر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می‌بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گران‌مایه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه‌های گیتی برتری دارد به دست می‌آورد. او احساس می‌کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه می‌کند و در برابر آن، سعادت و رستگاری و ماندگاری همه‌جانبه را به دست می‌آورد!»<sup>۱۵۱</sup> زُهری می‌گوید: «به ما خبر رسید که خدیجه، دو بار و در هر بار چهل هزار انفاق برای رسول خدا کرد.»<sup>۱۵۲</sup>

پس مسلم است که حضرت خدیجه علیها السلام همه دارایی‌اش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخشید. علاوه بر این، هر نیازمندی هم که به او روی می‌آورد، دست خالی بر نمی‌گشت و در مواقع قحطی و خشکسالی، خانه او پناهگاه نیازمندان و مایه امید دردمندان بود<sup>۱۵۳</sup> یا اینکه حضرت خدیجه علیها السلام از نعمت‌های باارزش خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، که با آن حضرت بیست‌وپنج سال زندگی کرد؛ در ساعات گرفتاری، بر او مهربانی کرد، در سخت‌ترین اوقات و در ابلاغ رسالتش یاریش کرد و در جنگ‌های تلخ با او شرکت کرده

۱۵۰ . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

۱۵۱ . علی محمدعلی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص ۳۲.

۱۵۲ . ابن جوزی، تذکره النواص، ص ۳۰۳.

۱۵۳ . محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۲.



و با جان و مالش از او پشتیبانی می‌کرد.<sup>۱۵۴</sup>

#### ۴- فرزندان

یکی از فضایل خدیجه رضی الله عنها نسل پاک و مطهری بود که بعد از خویش به جای نهاد. او مادر دختری بود که در فضیلت، هم‌پای پدر و همسر و فرزندان معصوم خود بود و در قرآن کریم هرگونه رجس و پلیدی از ساحت آنان پاک شده است.<sup>۱۵۵</sup> مادری که چنین فرزندی در دامان او رشد کرده است، دارای چه حالاتی بوده است که از طریق رحم، شیر، عمل، اخلاص و پاکی توانسته در این فرزند جلوه‌گر شود. مقام خدیجه به جایی رسیده بود که در همه دنیا مرسوم است فرزندان را به نام پدر معرفی می‌کنند، ولی در معارف اسلامی علاوه بر ذکر پدران، به نام مادران نیز معرفی می‌کنند مانند: وقتی که به اباعبدالله الحسین سلام می‌دهیم، می‌گوییم: «السلام علیک یابن فاطمه الزهرا و ابن خدیجه الكبرى».<sup>۱۵۶</sup>

خدیجه زنی بود که در زیارت اربعین، خطاب به امام حسین رضی الله عنه می‌خوانیم: «شهادت می‌دهیم که شما در پشت مردان بزرگوار و رحم‌های پاکیزه وجود یافتید».<sup>۱۵۷</sup> امام مجتبی رضی الله عنه در توضیح آیه ۲ سوره انفطار<sup>۱۵۸</sup> می‌فرماید:

«خداوند متعال در صلب مادر، شکل و قیافه علی را به شکل و قیافه پیامبر تصویر کرد. پس علی بن ابیطالب، شبیه‌ترین فرد به رسول خدا بود و برادرم حسین را به شکل مادرم فاطمه رضی الله عنها تصویر کرد و برادرم حسین رضی الله عنه شبیه‌ترین فرد به مادرم فاطمه رضی الله عنها بود و اما من را که می‌خواست در رحم مادرم صورتگری کند، من را به شکل مادر بزرگم خدیجه صورتگری کرد و من شبیه‌ترین فرد به مادر بزرگم خدیجه

۱۵۴ . عبدالعزیز شناوی، سیدات نساء اهل الجنة، ص ۹۵.

۱۵۵ . «انما یرید الله لیزهب عنکم الرجس اهل البیت و یطرحکم تطهیرا» سوره احزاب: آیه ۳۳.

۱۵۶ . شیخ ابوجعفر طوسی، مصباح المتجهد، ص ۷۲۰.

۱۵۷ . «اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره» زیارت وارث.

۱۵۸ . «فی ای صوره ما شاء رکبک» سوره انفطار: آیه ۲.

هستم، ۱۵۹

در باره تعداد فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه در میان محققین اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آنان قائل هستند که تنها فرزند آن‌ها، حضرت فاطمه رضی الله عنها است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند دیگری از خدیجه نداشته است. جعفر مرتضی در کتاب خود پس از نقل روایات مختلف از کتاب‌های شیعه و اهل سنت و بررسی‌های گوناگون چنین نتیجه می‌گیرد:

شواهد متعددی وجود دارد که حضرت خدیجه قبل از پیامبر، اساساً از دواج نکرده است و هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده است. علامه سوری (ابن شهر آشوب) نقل می‌کند و می‌نویسد: «ان النبی قد تزوج خدیجه و هی عذراء؛ همانا پیامبر با خدیجه که دوشیزه بود ازدواج کرد.» چنان‌که دو کتاب «الانوار» و «البدع» این مطلب را تأکید می‌کند آنجا که نقل شده: «رقیه و زینب دختران هاله خواهران خدیجه بوده‌اند».<sup>۱۶۰</sup>

یکی دیگر از اموری که مطلب فوق را تأیید می‌کند حدیثی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که خطاب به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «علی جان! به تو در زندگی سه امتیاز و ویژگی ارزانی شد که به هیچ‌کس دیگر از مردم حتی به من ارزانی نشد: ۱. به تو افتخار دامادی من داده شد در حالی که من پدر همسری بسان تو ندارم؛ ۲. به تو همسری مانند دختر فرزانه ام فاطمه عنایت شد در حالی که به من همسری مانند او داده نشد؛ ۳. به تو پسرانی ارجمند مانند حسن و حسین (علیهما السلام) عنایت شد، اما به من عنایت نشد، اما شما از من هستید و من از شما».<sup>۱۶۱</sup>

از این روایت فهمیده می‌شود با توجه به ویژگی اول در حدیث فوق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها یک داماد داشت و او کسی جز امیرالمؤمنین رضی الله عنه بود. علاوه بر آن صاحب کتاب «استغاثه» می‌نویسد: «زینب و رقیه دختران خواهر خدیجه بوده‌اند».<sup>۱۶۲</sup> به نظر او برای خدیجه فرزندی جز فاطمه رضی الله عنها نبوده است.

۱۵۹ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۲۳.

۱۶۰ . عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ص ۷ تا ۱۳.

۱۶۱ . محمد بن احمد شافعی، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابیطالب، ج ۲، ص ۳۸۴.

۱۶۲ . علی محمدعلی، دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص ۱۱.

همچنین مجلسی در بحار الانوار آورده است: «پیغمبر اکرم ﷺ با خدیجه ازدواج کرد در حالی که دوشیزه بود و این امر را تأکید می‌کند که رقیه و زینب، دختران هاله خواهر خدیجه هستند.»<sup>۱۶۳</sup> و صاحب کتاب مناقب نیز بیان می‌کند: «پیامبر اکرم با حضرت خدیجه ازدواج کرد در حالی که باکره بود.»<sup>۱۶۴</sup>

چیزی که بسیار مورد تأکید و تأیید قرار می‌گیرد، این است که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ دوشیزه بوده و رقیه و زینب دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مهر و مراقبت او قرار گرفتند.<sup>۱۶۵</sup>

#### ۵- قبول مهریه توسط حضرت

شبهه دیگر در دوران معاصر نیز از سوی مستشرقان و بدخواهان با اهدافی خاص، مطرح شده است که نیاز به بررسی بیشتر و پاسخ دارد.<sup>۱۶۶</sup> از جریان خواستگاری و اظهار علاقه خدیجه به پیامبر ﷺ می‌فهمیم این علاقه بر محور ارزش‌های پاک انسانی بوده است. علامه سیدجعفر مرتضی می‌نویسد: «حضرت خدیجه، پیامبر را برای همسری انتخاب کرد به خاطر اخلاق کریمه و شرافت نفس و شخصیت والای پیامبر اکرم ﷺ»<sup>۱۶۷</sup> وگرنه خدیجه به خاطر موقعیت اجتماعی، مالی، حسب و نسب و شخصیت والایی که داشته خواستگاران زیادی از اشراف و بزرگان مکه داشته است.

مجلسی در کتاب حیوه القلوب می‌نویسد: «چون ورقه بن نوفل نزد خدیجه آمد، گفت: ای خدیجه! شنیده‌ام که اراده تزویج داری. جمیع پادشاهان و اکابر عرب تو را طلب کردند؛ مانند عتبه و شیبه و ابوجهل و اهل مکه نیز تو را طلب کردند و تو آن‌ها را رد کردی. خدیجه فرمود: عمو جان! آن‌ها اهل ضلالت و جهالت هستند. ورقه گفت: شنیدم محمد بن عبدالله تو را خواسته است. او اصل نجابت و کرامت و علم و جود

و مشهور آفاق است.<sup>۱۶۸</sup> خدیجه در پاسخ به عموی خویش گفت: من او را خواسته‌ام و جلالت او را دانسته‌ام و رفتار او را پسندیده‌ام و به غیر او به دیگری رغبت نخواهم کرد.<sup>۱۶۹</sup> ابن هشام نیز به این مطلب اشاره دارد که علت انتخاب پیامبر اکرم ﷺ توسط خدیجه، شرافت نفس، سجایای اخلاقی، اخبار از آینده روشن حضرت بوده است.»<sup>۱۷۰</sup>

در گزارشی از کتاب حیوه القلوب آمده است: «هنگامی که پیامبر همراه با عموهای خود به جلسه خواستگاری رفت، ابوطالب خطبه‌ای در نهایت بلاغت ایراد کرد. وی بعد از حمد و سپاس الهی و بیان برتری ذریه ابراهیم بر دیگران، برتری محمد بن عبدالله ﷺ بر تمام اهل مکه و قبیله قریش را متذکر شد. سپس خطاب به ورقه بن نوفل گفت: آمده‌ایم خدیجه را از تو خواستگاری کنیم و هر مهر که خواهید از مال خود می‌دهم. ولی خدیجه آن را قبول نمی‌کند و مهر را در مال خویش قرار می‌دهد.»<sup>۱۷۱</sup>

چنانچه ملاحظه شد، حضرت خدیجه، خود، مهر پیامبر را به گردن گرفت. اطرافیان از این عمل تعجب کردند و گفتند: «عجب! از کی تابه‌حال زنان مهر مردان را می‌دهند؟!»<sup>۱۷۲</sup> در این هنگام ابوطالب عصبانی شد (در این حالت جمیع قریش از او می‌ترسیدند) و گفت: «آگاه باشید ای گروه قریش! اگر شوهران دیگر مثل پسر برادر من باشند، زنان به گرمای‌ترین قیمت‌ها و بلندترین مهرها ایشان را طلب خواهند کرد و اگر مانند شما باشند مهر گران از ایشان خواهند طلبید.»<sup>۱۷۳</sup> با عنایت به مطالب ذکر شده، نشان می‌دهد که حضرت خدیجه در پرداخت مهر، خودش داوطلب شد و جایی برای اشکال تراشی منافقان و معاندان باقی نمی‌ماند.

۱۶۸ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۴۶.

۱۶۹ . همان، ص ۱۴۷.

۱۷۰ . عبدالملک ابن هشام، سیره نبوی، ص ۲۰۱.

۱۷۱ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۲۸.

۱۷۲ . شیخ مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۱۰۷.

۱۷۳ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۱۲۹.

۱۶۳ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳.

۱۶۴ . ابن شهر آشوب، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۵۹.

۱۶۵ . ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ محمدباقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۹۱

۱۶۶ . مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام، ص ۱۱۹.

۱۶۷ . شیخ مرتضی عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۰۷.

لحظه آخرین غزل، ترس ندارم از اجل  
پیرهن تو در بغل، با تو دوباره «ما» شدم  
- سیدحمیدرضا برقعی

دنیا اگر چه مثل پیمبر نداشته  
قطعاً نبی، مثال تو همسر نداشته  
دادی تمام ثروت خود را به راه دین  
دین خدا شبیه تو یاور نداشته  
وقتی وجود پاک تو شد مهد فاطمه  
یعنی کسی شبیه تو مادر نداشته  
بی بی خوشا به حال تو، چون هیچ مادری  
داماد، مثل ساقی کوثر نداشته  
چشمش همیشه دوخته بر دست‌ها بود  
هر کس ز خاک خانه تو بر نداشته  
سلطانی اش ز خادم دربار کمتر است  
آن کس که منصب خود از این در نداشته  
جن و ملک به خاک درت غبطه می‌خورند  
بر ذکر و سجده سحر غبطه می‌خورند  
تو در میان خیل زنان بهترین شدی  
ام الائمه، لایق صد آفرین شدی

## حضرت خدیجه علیها السلام در اشعار شاعران

دور شدم از این و آن، با خودم آشنا شدم  
آینه در حجاز بود، عاشق مصطفی شدم  
سرمه نمی‌برم به چین، قند و شکر نمی‌خرم  
نقره و زر نخواستم، صاحب کیمیا شدم  
بار شتر گذاشتم، وقف تو هر چه داشتم  
دانه عشق کاشتم، در قفست رها شدم  
با تو جرس به هر نفس، مصرع عاشقانه ایست  
با تو پر از قصیده‌ام، با تو غزل سرا شدم  
ای که ملول می‌شوی از نفس فرشته‌ها  
باور من نمی‌شود، هم‌نفس خدا شدم  
سفره دل برای من، باز کن آیه‌ای بخوان  
حرف بزن که محرم زمزمه‌ها مرا شدم  
قطره من فرات شد، دژه ام آفتاب شد  
پیش تو سیدالبشر، سیده النساء شدم  
پشت سرت من و علی، قامت عشق بسته‌ایم  
تو همه مقتدا شدی، من همه اقتدا شدم  
من به تو دست یاعلی داده‌ام از صمیم دل  
مرگ جدام کرده است از تو اگر جدا شدم

تو در گذشت عمر خودت با رسول ما  
 بالاتر از همه، به خدا یار دین شدی  
 بسیار با دعای تو مؤمن شدند و بعد  
 تو مادرانه مادر این مؤمنین شدی  
 حُسن جهان به بودن عرش برین اوست  
 بی بی تویی که زینت عرش برین شدی  
 از جان و مال و هستی و عمرت گذشتی و  
 با حضرت رسول امین همنشین شدی  
 بی بی چه شد که خسته شدی از زنان شهر  
 بی بی چه شد که با غم و غصه عجین شدی  
 بی بی چه شد که درد و آلم کم نداشتی  
 هنگام مرگ خود کفنی هم نداشتی  
 - مهدی نظری

شکر خدا که عبد خدای خدیجه ایم  
 ما بنده ایم و زیر لوای خدیجه ایم  
 ما عاقبت به خیر دعای خدیجه ایم  
 سینه کبودهای عزای خدیجه ایم  
 از لطف فاطمه است که ما مادری شدیم  
 با یک دعای نیمه شبش کوثری شدیم

وقتی خدیجه مادر ما شیعه‌ها بُود  
 دیگر چه غم که جای من و تو کجا بُود  
 با یک دعاش، حاجت ما هم روا بُود  
 از چه پی عباى رسول خدا بُود؟!  
 وقف خدا شده همه مال و منال او  
 پیغمبر خدا شده محو خصال او  
 او اولین زنی ست که غم پرور نبی ست  
 کوری چشم عایشه، او همسر نبی ست  
 هم همسر نبی ست و هم یاور نبی ست  
 یعنی که بعد شیر خدا لشکر نبی ست  
 آثار رنج در وجناتش عیان شده  
 مانند محتضر شده و نیمه جان شده  
 این روزها که حال و هوایش عوض شده  
 از بس که گریه کرده صدایش عوض شده  
 مگه، مدینه شد که صفایش عوض شده  
 از چه خدیجه طرز دعایش عوض شده؟!  
 دختر برای مادر خود گریه می کند  
 مادر برای دختر خود گریه می کند  
 دنیا بنا نداشت به زهرا وفا کند  
 دنیا بنا نداشت که حق را ادا کند

اکرم ﷺ بسیار سخت بود؛ به خاطر همین آن سال را عام الحزن نامید.

رسول اکرم در طول عمر خویش همواره به یاد ایشان بود، دوستان او را محترم می‌شمرد، همواره به یاد ایشان اشک می‌ریخت و در مناسبت های فراوانی نام و یاد ایشان را زنده نگه می‌داشت؛ به طوری که اگر گوسفندی ذبح می‌کرد، گوشت آن را میان دوستان خدیجه تقسیم می‌کرد و بدین وسیله یاد او را همیشه گرامی می‌داشت. در نتیجه وظیفه ما هم این است که در پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ با روش‌های مناسب یاد حضرت خدیجه را زنده نگه داریم، به ذکر مناقب و فضایل ایشان بپردازیم، به پاس‌گویی از شبهاتی که سعی در تحریف فضایل ایشان دارد پرداخته و حضرت خدیجه را به‌عنوان الگوی زنان مسلمان برای زمینه‌سازی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) معرفی کنیم.

می‌خواست که خون به دل مرتضی کند

با هیزم آمده که جهنم به پا کند

نامرد بی حیا، روی او را کبود کرد

با تازیانه بازوی او را کبود کرد

- محمد فردوسی

### نتیجه گیری

شواهد تاریخی فراوانی بر محبوبیت حضرت خدیجه نزد پیامبر ﷺ به‌طور ویژه دلالت دارد. حضرت خدیجه اولین زنی بود که پیامبر با او ازدواج کرد و در دوران حیات خود تنها همسر پیامبر بود. ایشان نه تنها به‌عنوان همسری باوفا و مادری مهربان، بلکه محبوبه همسر بزرگوار خود بود. همچنین ایشان بانوی شریف و بی‌نظیری بودند که یار و حامی پیامبر اکرم در راه اعتلای اسلام ناب بودند و با حمایت‌های مالی و معنوی خویش باعث تثبیت رسالت پیامبر اکرم ﷺ شدند.

منافقین برای کم‌فروغ نشان دادن اسلام در نظر مردم، دست به تحریف تاریخ صدر اسلام و حذف فضایل و مناقب بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه زدند؛ چراکه حضرت خدیجه در گسترش اسلام نقش بسزایی داشتند. برای همین منافقین تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا اثری از فضایل این بانوی نمونه در تاریخ باقی نماند؛ زیرا با تحریف تاریخ، بزرگان کوچک می‌شوند و افراد فرومایه بزرگ می‌شوند؛ همچنین شر و بدی، جای خوبی را می‌گیرد. لذا در کتب تاریخی از دشمنان اسلام و غاصبین امامت، فضیلت و منقبت جعل شده است؛ همان فضایل و مناقبی که از افرادی بزرگ مثل حضرت خدیجه حذف شده است.

بعد از حضرت خدیجه، همسران دیگری به خانه پیامبر ﷺ پا نهادند، ولی به شواهد تاریخ هیچ‌یک از آن‌ها نتوانستند جای ایشان را پر کنند. او پس از ۲۵ سال زندگی با پیامبر خدا، در دهم رمضان سال دهم بعثت به لقاء الله پیوست. این فقدان برای پیامبر

## منابع

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه.

• صحیفه سجادیه.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.

۲. ابن اثیر جزری، ابی الحسن عزالدین علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن عبدالکریم، (۱۴۱۵)، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳. ابن اثیر، عزالدین علی ابن اثیر، (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

۴. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، بیروت، دارالفکر.

۵. ابن بابویه القمی، لأبی جعفر محمد بن علی، أمالی الصدوق (۱۴۰۰)، بیروت: مؤسسه الأعلمی الطبعه الخامسه.

۶. ابن جوزی حنفی، یوسف بن قزاوغلی بن عبدالله بغدادی، (۱۴۲۶)، تذکره الخواص الأمه فی خصائص الائمه، محقق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دارالکتب علمیه.

۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۸ق)، تذکره الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی.

۸. ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، (۱۴۱۵)، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود، و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعه الأولى.

۹. ابن سعد، (۱۳۷۴)، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، تهران: فرهنگ و اندیشه.

۱۰. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبد القادر

عطا، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۱۱. ابن شهر آشوب، مشیر الدین ابی عبدالله، (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب، ج ۱ و ج ۴، نجف: المکتبه الحیدریه.

۱۲. ابن عبدالبر، یوسف، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۴، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجمیل.

۱۳. ابن کثیر، (۱۴۱۹)، تفسیر ابن کثیر، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۲، بیروت: دار صادر.

۱۵. ابن هشام حمیری، ابومحمد عبدالملک، (۱۳۸۳)، سیره النبویه (ص)، تحقیق: محی الدین عبدالحمید، مصر: مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.

۱۶. ابن هشام، عبد الملک بن هشام، (بی تا)، سیره النبویه، ۳ جلدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۷. ابن هشام، عبد الملک، (۱۳۷۷)، سیره محمد رسول الله، مترجم: مسعود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خورزمی.

۱۸. ابن هشام، عبد الملک، (۱۳۹۲)، سیره محمد رسول الله (از تبارشناسی تا هجرت)، ترجمه: مسعود انصاری، تهران: انتشارات مولی.

۱۹. ابن هشام، عبد الملک، (بی تا)، سیره نبوی، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبد الحفیظ شلبی، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه.

۲۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۹۵۶م)، مناقب آل ابی طالب، ج ۱ و ج ۴، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المکتبه والمطبعه الحیدریه.

۲۱. ابوالفداء، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، البدايه و النهايه، ج ۲ و ج ۳، بیروت: دار الفکر.

۲۲. ابی یعقوب، احمد، (۱۳۵۸ق)، تاریخ یعقوبی، تحقیق: عبدالامیر مهنا، ج ۲، بیروت: دارصادر.

۲۳. احمد بن حنبل، (۱۴۱۶)، مسند احمد بن حنبل، قاهره: نشر دارالحدیث.

۲۴. احمد درش، رشید و بارتازیان، کامبیز، (۱۳۹۶)، روش های تحقیق کیفی، ج ۱،



۳۹. تهرانی، حسین، (۱۳۹۵)، محبوبه المصطفی، ج ۲، انتشارات طوبای محبت.
۴۰. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، سیره رسول خدا، قم: دلیل ما.
۴۱. جلالزاده میبیدی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۵)، خدیجه ام المؤمنین از ولادت تا شهادت، قم: انتشارات مشهور.
۴۲. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱)، مستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب علمیه.
۴۳. حائری، محمد مهدی، (۱۳۸۵ق)، شجره طوبی، نجف: مکتب الحیدریه.
۴۴. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، (۱۴۰۹)، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم: الطبعة الأولى.
۴۵. حسن الجمل، ابراهیم محمد، ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد علیها السلام، قاهره: دار الفضیله.
۴۶. الحسین الزبیدی، محمد مرتضی، (۱۳۸۵ق)، تاج العروس فی جواهر القاموس، بیروت: دارالهدیه.
۴۷. الحسینی العاملی الشقرائی، سید محسن بن عبد الکریم الامین، (۱۴۰۳)، أعیان الشیعه، إعداد: السید حسن الامین، بیروت: دار التعارف، الطبعة الخامسة.
۴۸. دخیل، علی محمد علی، (۱۳۶۳)، خدیجه دختر خویلد، ترجمه: فیروز حریری، تهران: امیرکبیر.
۴۹. دمشقی باعونی شافعی، محمد بن احمد، (۱۴۱۵ق)، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابیطالب، دو جلدی، قم: مجمع احیاء ثقافته الاسلامیه.
۵۰. ذهبی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن احمد قایماز، (۱۴۱۳)، سیر اعلام النبلاء، محقق: شعیب أونووط، ج ۱۰، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵۱. رضوانی، علی اصغر، امام علی علیه السلام مظلوم تاریخ، (۱۳۹۰)، نشر ذوی القربی، قم: چاپ اول.
۵۲. رفیعی محمدی، ناصر، (بی تا)، شناخت نامه حضرت خدیجه (س)، قم: جامعه المصطفی عالمیه.

- تهران: کیهان.
۲۵. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، (۱۴۲۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، قم: رضی.
۲۶. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ۳ جلدی، تبریز: بنی هاشمی.
۲۷. اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۰۱)، کشف الغمه فی معرفه الائمه (ع)، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دارالکتب اسلامیه.
۲۸. إصبهانی، ابوالقاسم اسماعیل بن محمد بن الفضل تیمی، (۱۴۰۹)، دلائل النبوه، محقق: محمد حداد، ج ۱، ریاض: دار طیبه.
۲۹. الاصفهانی، ابو الفرج، (۱۳۸۱)، مقاتل الطالبین، ج ۲، قم: مؤسسه دارالکتب.
۳۰. انصاریان، حسین، (۱۳۸۸)، مقام حضرت خدیجه، قم: دارالعرفان.
۳۱. آقابابایی، مهدی، (۱۳۹۸)، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری، اصفهان: نورالهیات.
۳۲. البحرانی، سید هاشم حسینی، (۱۱۰۷ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه البعثه.
۳۳. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
۳۴. بنت الشاطی، عایشه، (۱۳۹۱)، بطله کربلاء، مترجم: حبیب چایچیان، مهدی آیت الله زاده نائینی، بی جا.
۳۵. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۲)، تاریخ اسلام، تهران: معارف.
۳۷. توفیق، ابوعلیم، (۱۳۷۴)، فاطمه الزهرا، ناشرچایی: امیر کبیر.
۳۸. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری (س)، قم: طوبای محبت.

۶۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، الأمالی، قم: دارالثقافه.
۶۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، امالی طوسی، قم: انتشارات دارالثقافی.
۶۶. الطوسی، الشیخ ابو جعفر، (۱۴۱۱هـ)، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ ق)، مصباح المتجهد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۶۷. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۵ ق)، الصحیح من سیره النبی الأعظم، بیروت: دار الهادی.
۶۸. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۲۶ ق)، الصحیح من سیره النبی، ج ۲، قم: دارالحديث.
۶۹. العبد الخانی، ساجده، (۱۳۹۶)، نقش معنویت حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام، دو فصلنامه مطالعات معنوی، شماره دوازدهم.
۷۰. عسقلانی، ابن حجر، (بی تا)، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفه.
۷۱. علی بن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۲۶)، مهج الدعوات و منهج العبادات، تألیف رضی الدین ابی القاسم علی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسینی، قم: دار انوار المهدي.
۷۲. الفُرطبی المالکی، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، (۱۴۱۵)، تحقیق: علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
۷۳. قزوینی، محمد کاظم، (۱۴۰۴)، فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد، ترجمه: دکتر حسن فریدونی، بی-جا: آفاق.
۷۴. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: نشر دار احیاء تراث عربی.
۷۵. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودّه لذوی القربی، تحقیق: علی جمال أشرف الحسینی، طهران: دار الأسوه، الطبعة الأولى.
۷۶. مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲ ق)، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، نجف: بمباشره محمدرضا الغروی.

۵۳. زرقانی مصری مالکی، ابو عبدالله محمد بن عبد الباقي بن یوسف، (۱۴۱۷ ق)، شرح المواهب اللدنیّه بالمنح المحمدیّه (ص)، تحقیق: محمد بن عبدالعزیز خالدي، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۴. سیدین طاووس، علی بن موسی، (۱۳۹۵)، اللهوف فیقت لیا لطفوف، مترجم: محمد اسکندری، ناشر: آرام دل.
۵۵. سیلاوی، غالب، (۱۴۲۴)، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، قم: نشر محلاتی.
۵۶. شریف القرشی، باقر، (۱۳۹۵)، ام المؤمنین حضرت خدیجه (س): مضاربه پیامبر اکرم (ص) با اموال حضرت خدیجه (س)، ترجمه: سید محمد صالحی، قم: دار التهذیب.
۵۷. شناوی، عبدالعزیز، (بی تا)، سیدات نساء اهل الجنة، قاهره: مکتبه التراث الاسلامی.
۵۸. شیخ الطوسی، لأبی جعفر محمد بن الحسن، أمالی الطوسی، (۱۴۱۴)، تحقیق: مؤسسه البعثه، دار الثقافه - قم، الطبعة الأولى.
۵۹. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل اهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محقق: معوض، علی محمد، ناشران: دارالکتب العلمیه.
۶۰. الصبان الشافعی، محمد بن علی، إسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرين علیهم السلام، المطبوع هامش «نور الأبصار»، بیروت: طبع دار الفکر.
۶۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی، ج ۲۰، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۶۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۹)، إعلام الوری بأعلام الهدی، محقق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعرفه.
۶۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۲، ج ۲، بیروت: دارالتراث.

۹۰. هاشمی نژاد، اکرم السادات، (۱۳۹۶)، سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری، قم: المصطفی.
۹۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج ۶، تهران: انتشارت علمی و فرهنگی.
۹۲. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
۹۳. بکری، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۱)، الأنوار فی مولد النبى، قم: انتشارات شریف رضی.
۹۴. دیار بکری، حسین بن محمد، (۱۲۸۳)، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، ج ۱، مصر: المطبعة الوهیبیه.
۹۵. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۱، ص ۴۲۱؛
۹۶. قطب، محمد علی، خدیجه بنت خویلد، بیروت: دار القلم.
۹۷. قمی، عباس، (۱۴۱۶)، سفینه البحار، ج ۱، قم: دارالاسوه.
۹۸. زرقانی، عبدالباقی بن یوسف، (۱۴۱۷)، شرح المواهب اللدنیه، تحقیق: محمد عبدالعزیز خالدی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹۹. علی بن طاووس، سید رضی الدین، (۱۴۱۱)، مهج الدعوات، قم: دار الذخایر.
۱۰۰. تیری، شهاب الدین احمد، (۱۳۴۲)، نهاییه الارب فی فنون الادب، ج ۳، قاهره: مطبعه دار الکتب المصریه.

۷۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۱)، بحار الانوار، تهران: امیرکبیر.
۷۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴ و ج ۱۰۰، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۷۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۳)، بحار الانوار، ج ۱۹، ج ۳، بیروت: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
۸۰. مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، حیوه القلوب، مشهد: کتاب فروشی جعفری.
۸۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، ج ۱۶ و ج ۱۹ و ج ۱۸ و ج ۱۱۱ و ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۸۲. محدث نوری، میرزا حسن، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
۸۳. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۲۹)، ریاحین الشریعه، نشر دارالکتب الاسلامیه.
۸۴. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۸۵)، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۸۵. محمد بن إسحاق بن یسار، سیره ابن إسحاق، تحقیق: محمد حمید الله، معهد الدراسات والأبحاث.
۸۶. محمد عبد الله بن یحیی بن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر (السیره النبویه لابن سید الناس)، (۱۴۱۶)، بیروت: مؤسسه عز الدین.
۸۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۸۸. مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، إمتناع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفده والمطاع، تحقیق: عبدالحمید النمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸۹. نمازی شاهرودی، شیخ علی، (۱۴۱۸)، مستدرک سفینه البحار، تحقیق و تصبیح: شیخ حسن بن علی نمازی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.



پیامبر اعظم ﷺ

ای خدیجه!  
خداوند متعال هر روز به وجود  
تو چندین بار به ملائکه اش  
مباهات می کند.

